

جزوه حقوق تجارت (۴) ورسکتی

مدرس: دکتر قادری



مقدمه

به صورت چریکی، کل حقوق تجارت را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که به سادگی خوردن یک سوپ مرغ به صورت شیوا و رسا آن را بفهمید. مفاهیم حقوق تجارت اگر بدون مثال‌های ساده توضیح داده بشه مثل یک قورباغه زشت، تحمل اوون سخت است اما در این نوشته، کاری می‌کنیم که این قورباغه را ببوسید. ما اوون قدیم که دانشجوی کارشناسی بودیم، استادامون بهمون کتابای دکتر اسکینی رو معرفی می‌کردند. وقتی کتاب‌های ایشون رو دستمون می‌گرفتیم با یک سری اصطلاحات قلمبه‌سلمبه چقر حقوقی مواجه می‌شدیم که ازش چیزی نمی‌فهمیدیم و نهایتاً حوصله‌مون سر می‌رفت و زده می‌شدیم؛ البته باید گفت که مشکل از خودمون بود که اوون اصطلاحات رو در سال‌های دوره کارشناسی نمی‌فهمیدیم، چون مفاهیم پایه رو نمی‌دونستیم و یکی باید اول به زبون داستانی و با مثال‌های روشن برامون قصه می‌گفت و بعد، برامون خواندن اصطلاحات ثقیل و دشوار، مثل خوردن هلو می‌شد! در سال‌های اخیر که «شبکه‌های اجتماعی»، ادبیات عامیانه رو ترویج دادن و مخاطب عمده این شبکه‌ها، دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها هستند، معلم حقوق باید به زبون اینستاگرامی برای اوونها تدریس کنه! اصلاً هنر معلمی یعنی «ساده‌گویی»؛ خلاصه اینکه، مدنی رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به زوش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم!

دروغله اول تقدیم به پدر و مادر عزیزم

و سپس تقدیم به تمام کسانی که تابه حال پیچ به آن ها تقدیم شده است؛ تقدیم به گمنامان!

یکی از مباحث حقوق تجارت، حقوق تجارت ۴ که طبق آخرین سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل مفهوم ورشکستگی و مقایسه آن با نهادهای مشابه، مفهوم و شرایط توقف، نسبت به طلبکاران و بدهکاران تاجر، شرایط تحقق ورشکستگی، دادگاه صلاحیتدار برای رسیدگی به امر ورشکستگی، اشخاصی که می‌توانند تقاضای صدور حکم ورشکستگی نمایند، مالی بودن یا غیرمالی بودن دعوی ورشکستگی، صدور حکم ورشکستگی و اعلان آن، محتویات حکم ورشکستگی، ویژگی‌های حکم ورشکستگی، مراحل تصفیه امور ورشکستگی، اعتراض نسبت به حکم ورشکستگی و تاریخ توقف، آثار حکم ورشکستگی، بازسازی بنگاه یا شرکت تجاری و قرارداد ارفاقی، شرایط انعقاد و اعتبار قرارداد ارفاقی، آثار قرارداد ارفاقی فسخ و بطلان قرارداد ارفاقی و آثار آنها، تصفیه امور ورشکستگی، اقدامات تأمینی، خاتمه ورشکستگی و اعاده اعتبار می‌باشد.

ورشکستگی (موارد ۴۱۲ تا ۵۷۵ ق.ت / ۱ تا ۶۰ قانون اداره تصفیه ۱۳۱۸)

ورشکستگی ناظر به تاجر می‌باشد. تاجر محتمل است شخص حقیقی باشد و محتمل است شخص حقوقی باشد در مواردی که تاجر شخص حقوقی است باید توجه داشت اعضای آن شخص حقوقی به دلیل عضو بودن تاجر قلمداد نمی‌گردند. همچنین مدیران و کارمندان آن شخص حقوقی به دلیل مدیر و کارمند شخص حقوقی بودن تاجر قلمداد نمی‌گردند زیرا تنها ملاک برای تاجر قلمداد شدن، اشتغال به یکی از اعمال تجاری موضوع ماده ۲ ق.ت می‌باشد. باید توجه داشت همه اشخاص حقوقی تاجر نمی‌باشند. برای مثال مؤسسات غیرانتفاعی تاجر فرض نمی‌گردند.

نکته: در مورد غیر تاجر مقررات اعسار حکومت می‌کند. اعسار بر دو نوع است: اعسار برای معافیت از پرداخت هزینه دادرسی و اعسار برای معافیت از پرداخت محکوم به از تاجر، دعوی اعسار مطلقاً پذیرفته نمی‌شود، خواه برای معافیت از پرداخت هزینه دادرسی باشد و خواه برای معافیت از پرداخت محکوم به. در مورد تاجر فقط مقررات ورشکستگی جاری می‌باشد.

شرایط صدور حکم ورشکستگی:

۱. تاجر بودن

نه داشتن کارت بازرگانی ملاک تاجر بودن است و نه ثبت نام در دفتر ثبت تجاری ملاک تاجر بودن می‌باشد. ملاک تاجر بودن فقط اشتغال به یکی از اعمال تجاری احصاء شده در ماده ۲ ق.ت می‌باشد. لازم به یادآوری است برای تاجر قلمداد نمودن شخص لازم نیست که شغل انحصاری شخص اشتغال به یکی از اعمال تجاری باشد بلکه همین که شغل معمولی شخص اشتغال به یکی از اعمال

تجاری باشد، مطابق ماده ۱ ق.ت برای تاجر قلمداد نمودن شخص کافی می باشد. مثل اینکه اگر کارمندی همه روزه بعد از ظهرها به یکی از اعمال تجاری اشتغال داشته باشد باید آن کارمند را تاجر فرض نمود.

۲. توقف در پرداخت دیون:

شرط دیگر صدور حکم ورشکستگی آن است که تاجر در تأدیه دیون خود توقف حاصل نماید. توقف در اجرای سایر تعهدات غیر پولی نمی تواند موجب ورشکستگی تاجر شود مگر اینکه این تعهد غیر پولی به پول تبدیل گردد و تاجر آن پول را تأدیه ننماید مثل اینکه شخصی در قبال دیگری تعهد به احداث یک ساختمان ۱۰ طبقه نماید. هرگاه آن شخص (تاجر) در موعد مقرر به تعهد خود عمل نکند چنانچه تعهد از ناحیه دیگری به حکم دادگاه اجرا شود ولی تاجر از پرداخت هزینه احداث ساختمان امتناع ورزد این امتناع می تواند موجب صدور حکم ورشکستگی تاجر بشود.

سؤال: شرایط لازم و کافی برای تحقق ورشکستگی عبارت است از:

× تاجر بودن

✓ تاجر زنده و توقف

× صرف توقف

× صرف توقف تاجر زنده، آن هم به علت عدم کفایت دارایی

عدم تکافو شرط نیست؛ توقف و عدم تأدیه شرط است؛ ماده ۴۱۲ حرفی از علت توقف زده؛ حرف از توقف زده است؛ توقف در زمان حیات شرط است؛ صدور حکم در زمان حیات شرط نیست تا یک سال بعد از آن وقت دارد. ورشکستگی عبارت است از صرف توقف تاجر در زمان حیات نه ممات! پس، توقف تاجر زنده را ورشکستگی گویند که می تواند در همان زمان حیات منتهی به حکم ورشکستگی شود و می تواند بعد از فوت او نیز تا یک سال منتهی به صدور حکم ورشکستگی شود (البته به نظر می رسد مهلت یک ساله برای درخواست صدور حکم ورشکستگی است و نه خود صدور حکم ورشکستگی یعنی منطقی این است که برای رسیدگی و صدور ورشکستگی نباید مهلت قرار داد چراکه ممکن است بررسی طلب و دیون یک ورشکسته سه سال طول بکشد البته به موجب نص قانون، مهلت یک ساله برای صدور رأی است).

نکته: در سؤالاتی که به زنده بودن تاجر اشاره نشده است و آن را مطلق به کار برده است، فرض بر زنده بودن است.

اصل این است:

تاجر زنده

+ توقف

ورشکستگی (مُفلس)

غیر تاجر

+ توقف

اعسار (مُفلس)

استثناء این است:

= اعسار

تاجر

+ توقف

در مورد کسبه جزء

= ورشکستگی

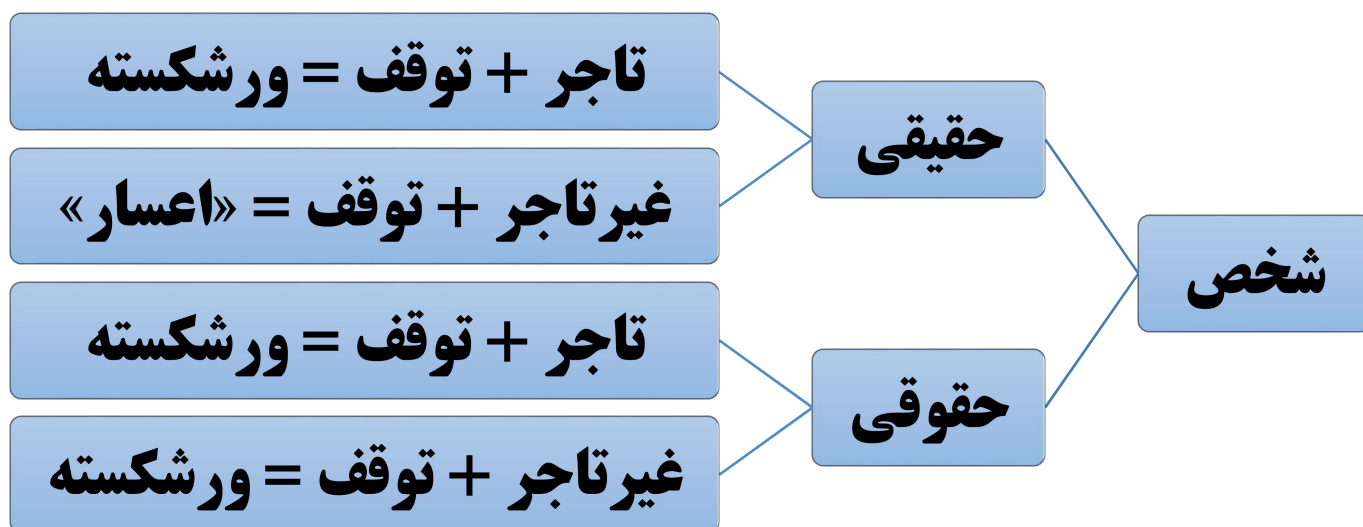
غیر تاجر

+ توقف

۱. اتحادیه تعاونی

۲. هر شخص حقوقی ولو غیر تاجر

اتحادیه تعاونی و هر شخص حقوقی ولو غیر تاجر مطابق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) با اینکه کار تجاری نمی‌کنند مشمول ورشکستگی می‌شوند (مثل مدرسه فوتبال، مؤسسه هنری، مؤسسه آموزشی و ...). ماده اخیرالذکر می‌گه: «دادخواست اعسار از تاجر و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند. تبصره: اگر دادخواست اعسار از سوی اشخاص حقوقی یا اشخاصی که تاجر بودن آنها نزد دادگاه مسلم است طرح شود، دادگاه بدون اخطار به خواهان، قرار ردّ دادخواست وی را صادر می‌کند.» این مقرر بر خلاف ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م که فقط از تاجر دادخواست اعسار را نمی‌پذیرفت از اشخاص حقوقی ولو اینکه تاجر نباشد نیز اعسار را نپذیرفته است و آنها را ملزم به ورشکستگی نموده است چراکه ملاک ماده ۴۱۲ ق.ت مبنی بر تاجر بودن شخص در ورشکستگی را نادیده گرفته است باید قائل به این شد که به صورت مطلق توقف و تاجر بودن، شرط ورشکستگی است مگر تصریح به شخص حقوقی شده باشد. پس فقط شخص حقیقی غیر تاجر که متوقف شود معسر است.



سؤال: آیا صرف توقف در تأدیه وجه نقد برای صدور حکم ورشکستگی کافی هست یا اینکه کافی نبودن دارایی شخص (تاجر) نیز شرط است؟ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در یک رأی اصراری که به اتفاق آراء صادر گردیده ملاک ورشکستگی تاجر را با توجه به ماده ۴۱۲ ق.تجارت صرف توقف در پرداخت قلمداد نموده است.

ویژگی‌های حکم ورشکستگی:

۱. مرجع صالح برای صدور حکم ورشکستگی طبق ماده ۴۱۵ ق.ت دادگاه بدوی اقامتگاه تاجر می‌باشد.
۲. حکم ورشکستگی نیاز به قطعیت ندارد، و در زمانی که هنوز قطعیت نیافته است، اجرا می‌گردد.
۳. حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود.
۴. حکم ورشکستگی مشمول قاعده فراغ دادرس نیست.

تاریخ توقف و تاریخ ورشکستگی: (ماده ۴۱۶ ق.ت)

۱. تاریخ توقف: تاریخی است که در حکم ورشکستگی اعلام می‌گردد، مبنی بر این که تاجر از این تاریخ در تأدیه دیونش دچار توقف شده است.

۲. تاریخ ورشکستگی: تاریخ صدور حکم ورشکستگی و ورشکسته محسوب شدن تاجر می‌باشد.

تأثیر ورشکستگی در دیون تاجر:

۱. طبق ماده ۴۲۱ ق.ت دیون مؤجل تاجر با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به دیون حال تبدیل می‌شود.
۲. بر اساس ماده ۴۲۲ ق.ت در صورتی که تاجر ورشکسته قبل از ورشکستگی: ۱- سفته‌ای صادر کرده باشد، ۲- براتی صادر کرده و قبول نشده، ۳- براتی را به عنوان برات‌گیر قبولی نوشته باشد: بعد از حکم ورشکستگی مبلغ آن سفته یا برات نسبت به

تاجر ورشکسته حال می‌گردد و سایر اشخاصی که مسؤول تأدیۀ وجه سفته یا برات می‌باشند، باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، مبلغ سفته یا برات را نقداً بپردازند یا تأدیۀ آن را در موعد آن تأمین نمایند.

نکته: برای صدور حکم ورشکستگی تاجر، دین محتمل است ناشی از معامله مدنی یا معامله تجاری باشد.

نکته: قسمت آخر ماده ۴۱۲ ق.ت.مصوب ۱۳۱۱ به موجب ماده ۲۷۴ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ قابلیت اعمال خود را از دست داده است. قسمت آخر ماده ۴۱۲ ق.ت.مقرر داشته: حکم ورشکستگی تاجری که حین الفوت متوقف بوده تا یک سال پس از فوت نیز قابل صدور می‌باشد و ماده ۲۷۴ ق. امور حسبی مقرر داشته: تصفیۀ ترکۀ متوفی در صورتی که متوفی بازرگان باشد تابع مقررات تصفیه امور بازرگان متوقف است.

برای مثال، هرگاه تاجر شخص حقیقی بوده و فوت نماید و این تاجر دارای ۱۰ میلیون دارایی اما ۱۰۰ میلیون بدهی باشد در این صورت اصل تساوی حقوق بستانکاران رعایت گردیده و هر یک از طلبکاران ۱۰٪ طلب خود را دریافت خواهند داشت و با اعمال ماده ۲۷۴ قانون امور حسبی دیگر بعداً نیازی نیست که حکم ورشکستگی آن تاجر صادر گردد.

نکته: برای اعمال ماده ۲۷۴ قانون امور حسبی مطابق رأی وحدت رویه نیازی به صدور حکم ورشکستگی متوفی نمی‌باشد.

چه اشخاصی صلاحیت درخواست صدور حکم ورشکستگی تاجر را دارند؟

۱. مقام قضایی یعنی دادستان در تشکیلات فعلی دادگستری.
۲. یک یا چند نفر از طلبکاران.
۳. خود تاجر. خود تاجر نه تنها حق درخواست صدور حکم ورشکستگی خود را دارد بلکه مطابق ماده ۴۱۳ ق.ت.تجارت مکلف به این کار نیز می‌باشد یعنی اینکه تاجر از تاریخ توقف بایستی در ظرف ۳ روز توقف خود را به دادگاه اعلام داشته و صورتحساب دارایی و دفاتر تجاری خود را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ضمانت اجرای تخلف از این امر مطابق ماده ۵۴۲ ق.ت.تجارت محکومیت به مجازات ورشکسته به تقصیر اختیاری می‌باشد.

نحوۀ اجرای حکم ورشکستگی:

در مورد سایر احکام دادگاه‌ها، حکم دادگاه یا از مواردی است که فقط جنبۀ اعلامی دارد که در این صورت، نیازی به صدور اجرائیه نبوده و مفاد رأی دادگاه به ادارات ذیربط اعلام می‌گردد اما در بیشتر مواقع برای اجرای رأی دادگاه بایستی اجرائیه صادر شود. دادگاه پس از صدور رأی، خود به خود در هیچ صورتی اجرائیه صادر نمی‌کند بلکه صدور اجرائیه دادگاه، منوط به قطعیت حکم و درخواست محکوم‌له می‌باشد اما در مورد احکام راجع به ورشکستگی، دادگاه، دیگر منتظر درخواست اجراء نمی‌ماند بلکه دادگاه پس از صدور حکم ورشکستگی، در شهرهایی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود دارد، امر تصفیه را به این اداره محول می‌نماید و در شهرهایی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد، دادگاه مدیر تصفیه‌ای تعیین نموده و عضو ناظری را انتخاب می‌کند اما نکته قابل توجه آن است که مطابق ماده ۴۴۰ ق.ت.تجارت مدیر تصفیه یا در حکم ورشکستگی یا نهایتاً ظرف ۵ روز از تاریخ صدور حکم ورشکستگی انتخاب می‌شود اما با توجه به ماده ۴۲۷ ق.ت.تجارت عضو ناظر در ضمن حکم ورشکستگی دادگاه تعیین می‌شود.

نکته: حکم ورشکستگی موقتاً اجرا می‌شود یعنی اینکه حکم ورشکستگی که دادگاه بدوی صادر می‌کند بدون اینکه مرحله تجدیدنظر را طی نموده باشد قابلیت اجرایی دارد و تجدیدنظرخواهی مانع اجرای حکم نیست.

نحوۀ اعتراض در مورد حکم ورشکستگی:

مواد ۵۳۶ تا ۵۴۰ ق.ت، قابلیت شکایت از حکم ورشکستگی را توضیح می‌دهد:

۱. با توجه به ماده ۴۱۶ ق.ت. دادگاه در ضمن حکم ورشکستگی تاریخ توقف را تعیین می‌کند و چنانچه تعیین ننماید، تاریخ ورشکستگی تاجر، تاریخ توقف محسوب می‌گردد. هر ذینفعی می‌تواند نسبت به تاریخ توقف با توجه به ماده ۵۳۸ ق.ت. تا زمانی که برای تشخیص و تصدیق طلب طلبکاران مهلت تعیین شده است **اعتراض** نماید. دادگاه صالح برای رسیدگی نسبت به اعتراض به تاریخ توقف دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی می‌باشد.

پس حکم اعلان ورشکستگی که تاریخ توقف تاجر در آن آمده است قابل اعتراض است. ممکن است حکم جدا برای تاریخ توقف تاجر صادر شود (حکمی که به موجب آن، تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود) که این نیز قابل اعتراض است. این دو از طرف تاجر ورشکسته ظرف ده روز قابل اعتراض است؛ اما از طرف اشخاص ثالث که در ایران مقیم باشند یک ماه و در خارج اقامت داشته باشند دو ماه قابل اعتراض است.

ماده ۵۳۷ قانون تجارت می‌گه: «اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدت‌های مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می‌شود.» به نوعی ذینفع در حکم ورشکستگی، شخص ثالث محسوب می‌شود که به خورده بخواهم دقیق نگاه کنیم ق.ت با ق.آ.د.م در تعارض است چون در جزوه بسیار کامل آیین دادرسی مدنی (البته تعریف از خود نباشه!) گفتم که تنها طریق اعتراضی که اصلاً مهلت نداره «اعتراض شخص ثالث» است. اما گر پرسیدند بگید اصولاً اعتراض ثالث مهلت نداره الا اینجا توو ماده ۵۳۷ ق.ت تجارت که مهلت، تعیین شده است!

۲. وخواهی:

یعنی اعتراض به حکم غیابی. هرگاه حکم ورشکستگی غیابی باشد ظرف ۲۰ روز برای اشخاص مقیم ایران و دو ماه برای اشخاص مقیم خارج از تاریخ ابلاغ، قابل وخواهی می‌باشد. حکم غیابی حکمی است که خوانده در هیچ‌یک از جلسات رسیدگی حاضر نبوده و لایحه‌ای نیز نفرستاده است و وقت رسیدگی به خوانده ابلاغ واقعی نشده باشد. دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی وخواهی، دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی می‌باشد.

۳. تجدیدنظرخواهی:

از آنجا که حکم ورشکستگی، راجع به دعوی غیرمالی می‌باشد همانند سایر دعاوی غیرمالی، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و مهلت تجدیدنظرخواهی برحسب مورد ۲۰ روز یا دو ماه از تاریخ ابلاغ حکم می‌باشد.

ماده ۵۴۰ قانون تجارت یکسری قرارها رو نام برده که نه قابل اعتراض است و نه قابل فرجام: «قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست: ۱. قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه. ۲. قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او [مطالبه بخشی از دارایی برای امرار معاش که باید به تصویب سه‌چهارم صاحبان طلب برسد تا دادگاه قرار آن را صادر کند]. ۳. قرارهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است. ۴. قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع‌فیه را مقرر می‌دارد. ۵. قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.»

نکته ماده ۴۲۰: این ماده می‌گه: «محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.» تاجر ورشکسته اصلاً ثالث نیست که اجازه بدیم به عنوان ثالث بیاد در دعوا! مدیر تصفیه نماینده اون در دعواست! بعد تازه «اجازه» چه صیغه‌ای است؟! مگه نه اینکه در آ.د.م اینجوری بود که هر کس بخواهد می‌تواند به عنوان ثالث به داخل دعوا بیاد! به نظر می‌رسه منظور از اجازه ورود ثالث، اجازه حضور ورشکسته توسط دادگاه در جاهایی که لازمه، است: مثلاً بخواهد بیاید دفاع کند؛ پس، نهاد ورود ثالث در آ.د.م مختص ثالث است و همین‌طور با وجود شرایط قانونی پذیرش ورود ثالث اجباری است در نتیجه ماده ۴۲۰ منظورش ورود ثالث اصطلاحی نیست زیرا اولاً تاجر اصلاً ثالث نیست بلکه طرف اصلی دعوا است که به جهت ورشکستگی توسط مدیر یا اداره تصفیه تعقیب می‌شود (به نمایندگی) و در ثانی اجازه دادگاه، در صورت صلاحدید برای مرود تاجر به عنوان وارد ثالث نشان از اختیاری بودن آن دارد و حال آنکه پذیرش ورود ثالث، اجباری است مع الوصف مقصود از ورود ثالث تاجر، اجازه او در دادگاه است که غالباً در مواردی که اخذ توضیح از خود تاجر لازم است صورت می‌گیرد. با این وجود، در سؤالات آزمون وکالت اگر از ورود ثالث تاجر پرسیده شده بود ورود ثالث او را به صلاحدید دادگاه مجاز می‌دانیم.

نکته: اداره تصفیه امور ورشکستگی مطابق ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه، آگهی خطاب به چهار دسته منتشر می‌نماید.

الف- طلبکاران تاجر.

ب- بدهکاران تاجر.

ج- اشخاصی که مال تاجر نزد آنهاست.

د- اشخاص که مال آنها نزد تاجر است. ضمانت اجرای عدم مراجعه این اشخاص در ماده مذکور بیان شده است.

نکته: مستنداً به ماده ۲۱ قانون اداره تصفیه، اداره تصفیه امور ورشکستگی رأساً می‌تواند اقدام به جلب ورشکسته بنماید.

نکته: مستنداً به ماده ۲۱ قانون اداره تصفیه، چنانچه توقیف تاجر لازم باشد، اداره تصفیه قرار توقیف را از دادگاه می‌خواهد.

سؤال: آیا حکم ورشکستگی باید از طریق روزنامه کثیرالانتشار اعلان شود یا ابلاغ گردد؟ با توجه به مواد مختلف قانون تجارت حکم ورشکستگی باید از طریق روزنامه کثیرالانتشار اعلان گردد.

نکته: حکم ورشکستگی، غیر مالی است. در قانون تجارت نگفته که این حکم، قابل فرجام است در ق.آ.د.م هم نگفته است.

ممنوعیت تاجر از مداخله در اموال:

مطابق ماده ۴۱۸ ق.تجارت از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر ممنوع از مداخله در اموال خود (چه آنچه در مدت ورشکستگی عایدش می‌شود چه آنچه از طریق ارث عایدش می‌شود) می‌باشد. باید توجه داشت:

۱. ممنوعیت تاجر از مداخله در اموال خود، نه تنها شامل اموال موجود بلکه شامل اموالی نیز خواهد بود که بعداً به دست تاجر می‌رسد مثلاً از طریق ارث اقتضای اصل وحدت دارایی این امر را می‌طلبد. اقتضای اصل وحدت دارایی آن است که هر بدهکاری با تمام دارایی خود مسؤول پرداخت بدهی‌های خود می‌باشد و مالی که به موجب ارث به تاجر رسیده جزو دارایی تاجر است.

همین که حکم ورشکستگی صادر شد، تاجر از ارث محروم می‌شود؛ ارث‌بری با ارثیه تفاوت دارد: به واسطه منع مداخله، منع از ارث نمی‌شود پس قاعده منع مداخله شامل امور مالی ارادی خود ورشکسته است، شامل امور غیرمالی نمی‌شود؛ شامل غیر ارادی قهری نمی‌شود؛ شامل امور دیگران نمی‌شود.

۲. تاجر فقط از مداخله در امور مالی خود ممنوع است. تاجر از مداخله در امور مالی دیگران ممنوع نمی‌باشد.

نکته: استثنائاً اگر تاجر، قیم باشد به موجب ماده ۱۲۳۱ ق.م.برای فرد تحت قیمومت خودش نمی‌تواند امور مالی انجام دهد. این ماده می‌گه: «اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند: ... ۲. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنبه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: ... ورشکستگی بتقصیر؛ ۳. کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.»

۳. تاجر فقط از مداخله در امور مالی خود ممنوع می‌باشد. تاجر از مداخله در امور غیرمالی ممنوع نمی‌باشد. تاجر می‌تونه همسر اختیار کنه! می‌تونه در امور حضانت، ولایت، قیمومت مربوط به خودش دخالت کند.

اثر حکم ورشکستگی:

۱. ممنوعیت تاجر از مداخله در اموال خود.

۲. اقدام دیگری به قائم مقامی از طرف تاجر (در شهرهایی که اداره تصفیه وجود دارد، اداره تصفیه امور ورشکستگی و در سایر شهرها مدیر تصفیه).

نقش‌های اداره تصفیه:

اداره تصفیه سه نقش ذیل را ایفاء می‌کند:

نقش اول اداره تصفیه، نقش قائم مقامی تاجر ورشکسته است.

نقش دوم اداره تصفیه، نقش قائم مقامی طلبکاران می‌باشد.

نقش سوم اداره تصفیه رعایت مصالح اقتصادی و امنیتی جامعه می‌باشد. برای مثال در کارخانه‌ای که سه هزار کارگر مشغول به کار باشند اداره تصفیه اجازه فروش دستگاه‌های آن کارخانه را نخواهد داد؛ زیرا شورش سه هزار کارگر شهری را به آشوب می‌کشد.

اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر:

معاملات تاجر را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: معاملات منعقدۀ تاجر قبل از تاریخ توقف:

معاملات تاجر در این دوره معمول بر صحت می‌باشد اما استثنائاً در یک مورد در این دوره معامله تاجر قابل فسخ است و در مورد دیگر نیز باطل است. مورد که معامله تاجر قابل فسخ است، ماده ۴۲۴ ق. تجارت می‌باشد یعنی چنانچه معامله تاجر به قصد فرار از دین بوده یا برای اضرار به طلبکاران باشد و متضمن ضرری بیش از یک‌چهارم قیمت باشد. در این صورت معامله در ظرف ۲ سال از تاریخ انعقاد آن، قابل فسخ است. مقررات ماده ۴۲۵ ق. تجارت در خصوص نحوه فسخ قابل توجه است.

✓ اگر طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ، تفاوت قیمت را بپردازد، معامله فسخ نخواهد شد.

✓ در حالت صدور حکم بر فسخ معامله، محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم، مالی را که موضوع معامله است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر بین غرما تقسیم شود، دریافت کند و در حالتی که عین مال مزبور در تصرف او نباشد، باید تفاوت قیمت را بپردازد.

موردی که معامله در این دوره باطل است مشمول ماده ۴۲۶ ق. تجارت است یعنی چنانچه معامله تاجر به طور صوری و یا مسبوق به تبانی باشد باطل و کان لم یکن می‌باشد. لازم به یادآوری است ماده ۴۲۶ ق. تجارت شامل هر سه دوره می‌باشد.

✓ اگر اثبات شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است، آن معامله به دلیل فقدان قصد باطل است.

دوره دوم: معاملات منعقدۀ بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی:

در این دوره به معاملات تاجر با نگاه تردید و شک نگریسته می‌شود. در اینکه معاملات تاجر در این دوره چه وضعیتی دارد بین حقوقدانان اختلاف است. منشأ این اختلاف مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ ق. ت می‌باشد زیرا ماده ۴۲۳ ق. ت برخی از معاملات را احصاء نموده و بیان داشته این معاملات تاجر پس از توقف باطل است و از طرف دیگر ماده ۵۵۷ ق. ت کلیه معاملات تاجر را پس از تاریخ توقف باطل اعلام نموده است. لذا برخی از حقوقدانان با استناد به ماده ۴۲۳ ق. ت برخی از معاملات تاجر را صحیح فرض می‌کنند اما نظر برخی حقوقدانان بر آن است که با توجه به اطلاق ماده ۵۵۷ ق. ت کلیه معاملات تاجر در دوره دوم باطل است.

دوره سوم: معاملات منعقدۀ پس از صدور حکم ورشکستگی:

معاملات تاجر در این دوره با توجه به ماده ۴۱۸ ق. تجارت باطل است.

نکته: باید توجه داشت طلبکارانی که در دوره اول و دوره دوم از تاجر طلبکار شده‌اند داخل در صف غرماء قرار می‌گیرند اما طلبکارانی که در دوره سوم طبرکار شده‌اند یعنی اشخاصی که پس از اعلان حکم ورشکستگی از تاجر طلبکار شوند. داخل در صف غرمای ورشکسته قرار نمی‌گیرند. این طلبکاران باید منتظر بمانند تاجر بدهی طلبکاران دیگر را بپردازد اگر چیزی ماند بعداً طلب خود را وصول نمایند.

انواع ورشکستگی: ورشکستگی بر سه نوع می‌باشد:

۱. **ورشکستگی عادی** (یا ورشکستگی عادی اجباری):

همان حالت اولیه و معمولی ورشکستگی است که در حالت اطلاق، اصل بر ورشکستگی عادی است و آن ناظر به حالتی است که توقف در تأدیۀ دیون تاجر بدون تقصیر و بدون سوءنیت و بدون تقلب بر اثر عوامل خارجی یا حوادث غیرمترقبه محقق شده است. به عبارت بهتر، منظور آن است که تاجر مطابق ماده ۴۱۲ ق. تجارت توقف در پرداخت حاصل نموده است و این توقف در پرداخت، نتیجه تقصیر و تقلب تاجر نمی‌باشد. ورشکستگی عادی فاقد مجازات کیفری است و جرم‌انگاری نشده است، پس محرومیت اجتماعی هم پیدا نمی‌کند.

۲. **ورشکستگی به تقصیر:**

که خود دو نوع است:

الف- ورشکستگی به تقصیر اختیاری:

یعنی اینکه تاجر ضمن توقف در پرداخت مطابق ماده ۴۱۲ ق. تجارت مرتکب یکی از موارد ماده ۵۴۲ ق. تجارت شده باشد. در این صورت پس از طرح شکایت دادگاه **مختار است** که آن ورشکسته را به مجازات جرم ورشکسته به تقصیر محکوم بنماید یا خیر. ۱. تعهدات فوق العاده (بالقوه است؛ بالفعل نشده است)؛ ۲. عدم ارائه دفاتر تاجر ظرف سه روز؛ ۳. تاجر دفتر نداشته؛ ۴. تاجر دفتر ناقص یا بی ترتیب داشته است؛ ۵. تاجر صورت دارایی غیرواقعی تنظیم نموده ولی تقلبی نداشته (سوءنیت نداشته؛ به صورت سهوی؛ مثلاً یک صفر کم گذاشته است).

ب- ورشکستگی به تقصیر اجباری:

یعنی تاجر ضمن توقف در پرداخت مطابق ماده ۴۱۲ ق. تجارت، مرتکب یکی از موارد احصاء شده در ماده ۵۴۱ ق. تجارت گردد. در این صورت پس از طرح شکایت دادگاه **الزاماً آن ورشکسته را به مجازات جرم ورشکسته به تقصیر محکوم خواهد نمود**. ۱. **مخارج فوق العاده ای** نموده است که بالفعل شده است؛ ۲. **معاملات موهوم** نموده که بالفعل شده است؛ ۳. **معامله به قصد تأخیر ورشکستگی** که بالفعل شده است (قصد، تقصیر اوست!)، (در این خصوص چند تا مثال هم زده: قرض، برات سازشی، خرید بالا، فروش پایین)؛ ۴. **پرداخت طلب بعد از تاریخ توقف به یک طلبکار ترجیح** داده شده است (ترجیح، تقصیر اوست!). در ورشکستگی به تقصیر اجباری با **تقصیرهایی** مواجه هستیم (تقصیرها از این قرار هستند: «فوق العاده»، «موهوم»، «قصد تأخیر» و «ترجیح») که **بالفعل** شده است (بالفعل شدن‌ها با این کلمات قابل فهم است: «مخارج»، «معاملات»، «معامله» و «پرداخت»؛ پس حتماً حکم ورشکستگی به تقصیر صادر می شود. هیچکدام از موارد ۵۴۱ درباره دفتر تاجر و صورت دارایی او نیست پس اساساً اگر در سوالات این موارد بود **ورشکستگی به تقصیر اجباری** منتفی است.

مطابق ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم «تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵): «مجازات ورشکسته به تقصیر [چه اجباری چه اختیاری] از شش ماه تا دو سال حبس است.»

۳. ورشکستگی به تقلب:

یعنی تاجر ضمن توقف در پرداخت مطابق ماده ۴۱۲ ق. تجارت مرتکب یکی از موارد مندرج در ماده ۵۴۹ ق. تجارت بشود. در این صورت پس از طرح شکایت، آن ورشکسته به مجازات جرم **ورشکسته به تقلب** محکوم خواهد شد. ۱. تاجر دفاتر خود را مفقود نموده («مفقود نموده» یعنی با سوءنیت و تقلب) (چون «مفقود نموده» به طور مطلق آمده سوءنیت، مفروض است) (اگر تاجر، دفتر خود را بدون سوءنیت مفقود نموده باشد تاجر، ورشکسته عادی است)؛ ۲. تاجر **صورت دارایی غیرواقعی و متقلبانه** تنظیم نموده است (باید این موضوع احراز شود یعنی چون مطلق آمده سوءنیت، مفقود است) (در جایی که تاجر ورشکسته صورت دارایی غیرواقعی تنظیم نموده، چنانچه به «تقلب» تصریح نشود مدلی ورشکستگی می شود: «به تقصیر اختیاری»)؛ ۳. از بین بردن دارایی (چه به شکل صوری چه به شکل مواضعه) یا مخفی نمودن آن (فقط در ورشکستگی به تقلب است که از «دارایی» گفته است!). «مواضعه» یعنی کمتر از حالتی که خریده می فروشد. ۴. **مدیون قلمداد کردن خود به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد.**

مطابق ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم «تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵): «کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد.» + محرومیت از حقوق اجتماعی (به عنوان مجازات تبعی)

نکته: غیر از محرومیت از حقوق اجتماعی که در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) فقط در خصوص ورشکسته به تقلب حاکم است کلاً ورشکستگی (هر سه مدلش) یکسری محدودیت‌ها به موجب مواد ۱۱۱ و ۱۴۷ ل.ا.ق.ت به دنبال دارد: مدیر شرکت نمی شه؛ بازرس نمی شه و ...

سؤال: اگر تاجر ورشکسته ای دفاتر بی ترتیب خود را مفقود نموده باشد ورشکسته به تقلب محسوب می شود یا به تقصیر اجباری؟ هر جا نوعی از ورشکستگی مطرح باشد که هم مشمول ورشکستگی به تقلب شود و هم ورشکستگی به تقصیر اجباری، آن تاجر، ورشکسته به تقلب محسوب می گردد. قاعده این است که ورشکستگی نوع سنگین تر ملاک است:

نکته مرتبط با سؤال: هر جا نوعی از ورشکستگی مطرح باشد که هم مشمول ورشکستگی به تقصیر اجباری شود و هم ورشکستگی به تقصیر اجباری، آن تاجر، ورشکسته به تقصیر اجباری محسوب می‌گردد.

نکته مرتبط با سؤال: هر جا نوعی از ورشکستگی مطرح باشد که هم مشمول ورشکستگی عادی شود و هم ورشکستگی به تقصیر، آن تاجر، ورشکسته به تقصیر محسوب می‌گردد.

نکته: محکومیت تاجر به مجازات ورشکسته به تقصیر یا تقلب پس از طرح شکایت مطابق مواد ۵۴۴ و ۵۴۸ ق. تجارت به عمل خواهد آمد.

سؤال: آیا بدون صدور حکم ورشکستگی شرکت، می‌توان مدیران آن شرکت را به مجازات جرم ورشکسته به تقصیر یا تقلب محکوم نمود یا خیر؟ هیأت عمومی دیوان عالی در یک رأی اصراری این تعقیب را تجویز نموده است (البته رأی اصراری برای محاکم لازم‌الاتباع نمی‌باشد).

سؤال مشتقی: اگر تاجر ورشکسته‌ای بدون سوءنیت دفاتر خود (که بی‌نظم و ترتیب است) را مفقود نموده باشد ...

× ورشکسته‌ی عادی است. (خب اینکه معلومه پاسخ صحیح نیست! اگر صورت سؤال اینجوری بود: «اگر تاجر، دفاتر خود را بدون سوءنیت مفقود نموده باشد ...» این پاسخ صحیح بود چون که در اینجا تاجر، دفتر سالم داشته و نه دفتر بی‌نظم و ترتیب فلذا علاوه بر اینکه سوءنیت نداشته یعنی تقلب نکرده تقصیری هم نداشته؛ پس اگر در متن سؤال، اون پراتز و محتویاتش نبود گزینه «ورشکسته‌ی عادی است» درست بود.)

× ورشکسته‌ی عادی اختیاری است. (اصلاً ما ورشکسته‌ی عادی اختیاری نداریم؛ پس این گزینه اساساً منتفی است)

× ورشکسته‌ی به تقصیر اجباری است. (چون موضوع سؤال «دفتر» است پس ورشکسته اجباری نمی‌تواند باشد)

✓ ورشکسته‌ی به تقصیر اختیاری است. (گزینه صحیح، این است)

× ورشکسته‌ی به تقلب اجباری است. (حتماً این گزینه، غلط است چون در متن سؤال قید «بدون سوءنیت» دارد)

× ورشکسته‌ی به تقلب اختیاری است. (اصلاً ما ورشکسته‌ی به تقلب اختیاری نداریم؛ پس این گزینه اساساً منتفی است)

× معسر است. (تاجر نمی‌تواند معسر باشد؛ «اعسار» اصولاً در تست‌های حقوق تجارت از نوع ورشکستگی باید حذف‌گزینه شود)

نکته: با نگاهی ظاهری به مواد (۴۱۲، ۵۴۱، ۵۴۲ و ۵۴۹) کاملاً مشخص است که قانونگذار تنها در ورشکستگی به تقصیر در مواردی برای دادگاه (دادرس) اختیار صدور حکم ورشکستگی به تقصیر را پیش‌بینی نموده است و الا سایر موارد صدور حکم ورشکستگی (ورشکستگی عادی اجباری، ورشکستگی به تقصیر اجباری و ورشکستگی به تقلب اجباری)، اجباری است.

عضو ناظر و مدیر تصفیه:

✓ به استناد مواد ۴۲۷ و ۴۴۰ ق.ت، عضو ناظر و مدیر تصفیه توسط محکمه تعیین می‌شود.

✓ بر اساس ماده ۱ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، در شهرهایی که اداره تصفیه امور ورشکستگی موجود است، این اداره جایگزین عضو ناظر و مدیر تصفیه می‌باشد.

✓ عضو ناظر مطابق با ماده ۴۲۷ ق.ت در ضمن حکم ورشکستگی تعیین می‌شود، اما ممکن است مدیر تصفیه ظرف ۵ روز پس از صدور حکم ورشکستگی معین شود.

✓ وظیفه عضو ناظر، نظارت در امور ورشکستگی می‌باشد و وظیفه مدیر تصفیه انجام امور مربوط به تصفیه ورشکستگی می‌باشد.

✓ به استناد ماده ۴۳۲ ق.ت عضو ناظر از سوی دادگاه قابل تعویض است و طبق وحدت ملاک مدیر تصفیه قابل تغییر از سوی دادگاه می‌باشد.

✓ به استناد ماده ۴۴۲ ق.ت حق الزحمه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین می شود و طبق وحدت ملاک حق الزحمه عضو ناظر توسط دادگاه تعیین می گردد.

وظیفه مدیر تصفیه در دعاوی له یا علیه تاجر ورشکسته:

✓ طبق نص ماده ۴۱۹ ق.ت، از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. پس این ماده می خواد بگه: با صدور حکم ورشکستگی دعاوی ای که له یا علیه تاجر ورشکسته طرح شده یا می شود باید له یا علیه مدیر یا اداره تصفیه ادامه پیدا کند زیرا ورشکسته از طرف دعاوی واقع شدن ممنوع است.

تست: اگر الف که تاجر است علیه ب که او نیز تاجر است طرح دعا نماید و ورشکست شود ...

× دعا علیه عضو ناظر ادامه می یابد.

× دعا علیه مدیر تصفیه ادامه می یابد.

× دعا علیه مدیر یا اداره تصفیه ادامه می یابد.

+ دعا علیه ب ادامه می یابد.

جواب صحیح، گزینه آخر است. همین که حکم تاجر (ورشکستگی) صادر شد در هر نقشی که بود فقط همان نقش به مدیر یا اداره تصفیه واگذار می شود. اگر در گزینه ۳ به جای «علیه» می گفت «توسط»، جواب، صحیح می شد.

✓ طبق نص ماده ۴۵۸ ق.ت، نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکارها در آن ذی نفع می باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد، اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

✓ طبق نص ماده ۴۵۸ ق.ت، اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه (تاجر ورشکسته) حق دارد که به صلح اعتراض کند - اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

مهر و موم اموال تاجر ورشکسته:

✓ طبق نص ماده ۴۳۳ ق.ت محکمه در حکم ورشکستگی، امر به مهر و موم را نیز می دهد.

✓ طبق نص ماده ۴۳۴ ق.ت، مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید.

✓ طبق نص ماده ۴۳۷ ق.ت در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح «در حال حاضر در حقوق ایران مصداق ندارد.» می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

✓ طبق نص ماده ۴۳۸ ق.ت، انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.

✓ طبق نص ماده ۴۳۹ ق.ت، در صورت ورشکستگی شرکت های تضامنی، مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء ضامن، مهر و موم نخواهد شد؛ مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

✓ طبق نص ماده ۴۴۳ ق.ت، اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

✓ به استناد تبصره ماده ۴۳۹ ق.ت، مستثنیات دین موضوع ماده ۵۲۴ ق.آ.د.م از مهر و موم معاف است و تحت اختیار تاجر ورشکسته گذاشته می شود.

مستثنی کردن برخی از اموال از توقیف (ماده ۴۳۴ ق.ت):

- ✓ مستثنی کردن برخی از اموال از توقیف با درخواست مدیر تصفیه و اجازه عضو ناظر امکان پذیر است.
- ✓ اشیاء ذیل را می توان با اجازه عضو ناظر از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نمود:
- اشیاء و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است.
- اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا دچار کسر قیمت شود.
- اشیائی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است، البته در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.

موارد فروش فوری اموال تاجر ورشکسته (ماده ۴۴۵ ق.ت):

با اجازه عضو ناظر و توسط مدیر تصفیه، اموال ذیل به صورت فوری و بدون رعایت تشریفات به فروش می رسند:

- ✓ اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شوند.
- ✓ اشیائی که ممکن است کسر قیمت حاصل کند.
- ✓ اشیائی که نگاه داشتن آنها مفید نیست.

خروج دفاتر از مهر و موم (ماده ۴۴۶ ق.ت):

- ✓ دفتر دار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده، ذیل دفاتر را می بندد تا مندرجات جدیدی به آن افزوده نشود و آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می نماید.
- ✓ دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به صورت خلاصه قید کند.

خروج اوراق تجاری از مهر و موم (ماده ۴۴۶ ق.ت):

آن دسته از اوراقی که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود یا اینکه نسبت به آنها اقدامات تأمینی به عمل آید، از توقیف خارج می شوند و در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می شوند تا وجه آنها را وصول نماید.

بازکردن مراسلات تاجر ورشکسته: (ماده ۴۴۶ ق.ت):

- ✓ مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می رسد، به مدیر تصفیه تسلیم و توسط او باز می شود.
- ✓ اگر خود ورشکسته حاضر باشد می تواند در بازکردن مراسلات شرکت کند.

تأمین نفقه تاجر ورشکسته و خانواده او (ماده ۴۴۷ ق.ت)

✓ در صورتی که تاجر ورشکسته وسیله دیگری برای اعاشه (زندگی) نداشته باشد، می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند.

✓ تصویب این امر بر عهده محکمه و تعیین موارد نفقه و مقدار آن بر عهده عضو ناظر است.

بستن دفاتر تاجر ورشکسته (ماده ۴۴۸ ق.ت):

- ✓ مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید. برای حضور تاجر ورشکسته ۴۸ ساعت مهلت داده می شود.
- ✓ در صورتی که تاجر حاضر نشد، با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد.

تنظیم صورت دارایی تاجر ورشکسته (مواد ۴۴۹ و ۴۵۰ ق.ت):

در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد:

- ✓ مدیر تصفیه آن را فوراً به وسیله دفاتر و اسناد و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند.
- ✓ عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

تنظیم صورت دارایی پس از رفع توقیف از اموال تاجر ورشکسته:

پس از آن که اموال تاجر ورشکسته از توقیف خارج شد، باید صورت دارائی او مجدداً به صورت ذیل تنظیم شود:

✓ طبق نص ماده ۴۵۱ ق.ت، مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارایی نموده و تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست.

✓ طبق نص ماده ۴۵۲ ق.ت، مدیر تصفیه به تدریج که رفع توقیف می شود صورت دارایی را در دو نسخه تهیه می نماید. یکی از نسخه ها را به دفتر محکمه تسلیم کرده و دیگری در نزد او می ماند.

✓ طبق نص ماده ۴۵۳ ق.ت، مدیر تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارایی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بدانند استمداد کند صورت اشیائی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

شیوه وصول مطالبات و فروش اموال تاجر ورشکسته:

✓ طبق نص ماده ۴۵۶ ق.ت، پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم می شود.

✓ طبق نص ماده ۴۵۷ ق.ت، مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم (دادستان) و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن (مدیر تصفیه) قبلاً (قبل از فروش اموال) باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا لا اقل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند.

✓ طبق نص ماده ۴۶۰ ق.ت، وجوهی که توسط مدیر تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج باز می کند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

اقدامات تأمینیه به نفع تاجر ورشکسته:

✓ طبق نص ماده ۴۶۱ ق.ت، مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به مأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او به عمل آورد.

✓ طبق نص ماده ۴۴۸ ق.ت، تاجر ورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

تشخیص مطالبات طلبکاران:

✓ ماده ۴۶۲ ق.ت: «پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را (رونوشت برابر اصل آن را) به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.»

✓ ماده ۴۶۳ ق.ت: «تشخیص (قبول کردن) مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد (به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد) تعقیب می شود.»

✓ ماده ۴۶۳ ق.ت: «هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به طلبهائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.»

✓ ماده ۴۶۵ ق.ت: «محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و به علاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.»

✓ ماده ۴۶۶ ق.ت: «عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.»

- ✓ ماده ۴۷۶ ق.ت: «اگر طلب مسلّم و قبول شد، مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند: «جزو قروض ... مبلغ ... قبول شد بتاريخ ...»
- هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظام‌نامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده، طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.»
- ✓ ماده ۴۶۸ ق.ت: «اگر طلب متنازع‌فیه واقع شد، عضو ناظر می‌تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت (گزارش) عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می‌تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می‌توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.»
- ✓ ماده ۴۶۹ ق.ت: «در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف ۱۵ روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود.»
- ✓ ماده ۴۷۰ ق.ت: «محکمه می‌تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع‌فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می‌کند موقتاً طلبکار شناخته‌شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید
- «
- ✓ ماده ۴۷۱ ق.ت: «در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می‌تواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تأخیر مجلس نمود، نمی‌تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده‌اند طلبکار مزبور نمی‌تواند به هیچ وجه در عملیات راجع به ورشکستگی شرکت کند.»
- ✓ ماده ۴۷۲ ق.ت: «پس از انقضای مهلت‌های معین در مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ به ترتیب قرارداد ارفاقی و سایر عملیات راجع به ورشکستگی مداومت (پرداخته) می‌شود.»
- ✓ ماده ۴۷۳ ق.ت: «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه، قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارند، ولی در تقسیماتی که ممکن است به عمل آید، جزء غرما حساب می‌شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه‌ای را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده، مطالبه نمایند.»
- ✓ ماده ۴۷۴ ق.ت: «اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوای خیراتی دارند و صرف‌نظر از آن نمی‌کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجراء گذارند.»
- ✓ ماده ۴۷۵ ق.ت: «حکم فوق درباره دعوای خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.»

قرارداد ارفاقی: قرارداد ارفاقی که به منزله ارفاق قائل‌شدن جمعی از طلبکاران در حق تاجر ورشکسته می‌باشد طی تشریفات به موجب مواد ۴۷۶ تا ۴۷۸ به عمل می‌آید. قرارداد ارفاقی، یک عقد تشریفاتی است که منوط به تشریفات است که خواهیم گفت؛ عقدی لازم است و در موارد خاص قانونی (۴۹۰ تا ۴۹۴ ق.ت) قابل فسخ یا بطلان است و عقدی، عهده‌ای است (ماده ۴۷۶ ق.ت).

تشریفات تشکیل مجمع طلبکاران برای انعقاد قرارداد ارفاقی:

- ✓ قرارداد ارفاقی که یک عقد تشریفاتی است تحقق آن منوط به اجرای مراسم رسمی است (ماده ۴۷۹ ق.ت) مقصود از این مراسم این است ظرف ۸ روز عضو ناظر باید اقدام به دعوت طلبکارها جهت مشاوره انعقاد قرارداد ارفاقی و تشکیل مجمع عمومی طلبکارها نماید (۴۷۶) مجمع فوق باید تحت ریاست عضو ناظر در محل و تاریخ مشخصی تشکیل و با راپرت مدیر تصفیه و صورت‌مجلس عضو ناظر برگزار شود (۴۷۷ + ۴۷۸ ق.ت)
- ✓ ماده ۴۷۶ ق.ت: «عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعده که به موجب نظام‌نامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده توسط دفتردار محکمه [مدیر دفتر دادگاه] کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است

برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می‌نماید، موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعتهای دعوت (نامه‌های دعوت) و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.»

✓ ماده ۴۷۷ ق.ت: «مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه (عضو ناظر) منعقد می‌شود طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت‌الوکاله آنها حاضر می‌شوند. تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می‌شود مشارالیه (تاجر ورشکسته) باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.»

✓ ماده ۴۷۸ ق.ت: «مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی (گزارشی) از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است، می‌دهد راپورت (گزارش) مزبور به امضاء مدیر تصفیه رسیده و به عضو ناظر تقدیم می‌شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت‌مجلسی ترتیب دهد.»

طرفین و شرایط قرارداد ارفاقی:

مطابق ماده ۴۷۹ ق.ت طرفین قرارداد ارفاقی از یک طرف دیگر طلبکاران می‌باشند. (مطابق ماده ۴۸۰ ق.ت این طلبکاران ممکن است طلبشان تشخیص و تصدیق شده باشد و ممکن است طلبشان موقتاً قبول گشته باشد) و طرف دیگر تاجر ورشکسته می‌باشد. سؤال: منظور از طلب تصدیق شده چه طلبی است؟

یعنی اداره تصفیه یا مدیر تصفیه طلب طلبکاران را قبول نموده باشد و طلبکاری دیگر بدان اعتراض نمی‌کند.

سؤال: منظور از طلب موقتاً قبول گشته چه نوع طلبی است؟

منظور از طلب موقتاً قبول گشته آن است که اداره تصفیه یا مدیر تصفیه، طلب طلبکار را قبول می‌کند اما یک یا چند نفر از طلبکاران بدان اعتراض می‌کنند. در این صورت معترض با هزینه خود اقامه دعوی می‌کند. اگر دعوی محکوم به رد شد، هزینه از کیسه خواهان رفته ولی اگر حکم به نفع خواهان صادر گردید در این صورت، از آن طلب اعتراض شده تا حد مطلب معترض عنه به ایشان به عنوان پاداش داده می‌شود و هزینه دعوی نیز به ایشان مسترد خواهد شد.

سؤال: طلبکاران با چه اکثریتی می‌توانند قرارداد ارفاقی را منعقد کنند؟

طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را منعقد می‌نمایند به توجه به ماده ۴۸۰ ق.ت حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران بوده و بایستی این تعداد حداقل سه چهارم کل مطالبات را از تاجر داشته باشند (سه چهارم کل مطالباتی که تشخیص و تصدیق شده و یا موقتاً قبول گشته باشد) مطابق ماده ۴۸۶ ق.ت تجارت قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد.

✓ ماده ۴۸۱ ق.ت: «هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عداً حاضر شوند، ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می‌شود. (گذاشته می‌شود).»

✓ ماده ۴۸۲ ق.ت: «طلبکارهایی که در مجلس اول، خود یا وکیل ثابت‌الوکاله آنها حاضر بوده و صورت‌مجلس را امضاء نموده‌اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشوند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است

اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ (حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارانی که سه چهارم کل مطالبات تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته باشد) تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود. (منعقد می‌گردد)»

✓ طبق ماده ۵۰۶ ق.ت، اگر یک شرکت تضامنی، مختلط یا نسبی ورشکسته شود، طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت منعقد کنند، یا فقط با یک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند، البته در صورتی که شرکاء ضامن نیز ورشکسته شده باشند.

اعتراض به قرارداد ارفاقی:

سؤال: آیا قرارداد ارفاقی قابل اعتراض است یا خیر؟

بلی، کلیه طلبکارانی که حق شرکت در انعقاد ارفاقی را دارند مستنداً به ماده ۴۸۵ ق.ت می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ انعقاد قرارداد ارفاقی بدان اعتراض نمایند.

✓ ماده ۴۸۶ ق.ت: «قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد، (تا محکمه بررسی نماید که آیا تشریفات قانونی برای انعقاد آن رعایت شده است یا خیر) و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند.

محکمه نمی‌تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل (یک هفته‌ای که برای اعتراض به قرارداد ارفاقی پیش‌بینی شده است)، تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید هر گاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی به عمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند، اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به تمام اشخاص ذی نفع بلا اثر می‌شود.»

✓ ماده ۴۸۷ ق.ت: «قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد (قرارداد ارفاقی) رأی دهد عضو ناظر باید راپورتی (گزارشی) که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.»

✓ ماده ۴۸۸ ق.ت: «در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.»

فسخ قرارداد ارفاقی:

سؤال: آیا قرارداد ارفاقی قابل فسخ است یا خیر؟

با توجه به ماده ۴۹۴ ق.ت تاجر به شرایط قرارداد عمل ننماید. برای فسخ قرارداد ارفاقی می‌توان بر علیه تاجر اقامه دعوا نمود.

بطلان قرارداد ارفاقی:

سؤال: آیا قرارداد ارفاقی قابل ابطال می‌باشد یا خیر؟

در دو مورد ذیل قرارداد ارفاقی مطابق ماده ۴۹۲ ق.ت تجارت باطل است:

۱. در موردی که تاجر، ورشکسته به تقلب یعنی قرارداد ارفاقی فقط با ورشکسته عادی و ورشکسته به تقصیر (چه در حال تعقیب باشد چه محکوم شده باشد) قابل انعقاد است با ورشکسته به تقلب نمی‌توان قرارداد ارفاقی منعقد نمود.

نکته: اگر تاجر به جرم ورشکستگی به تقلب تحت تعقیب باشد می‌توان با او قرارداد ارفاقی منعقد نمود اما در صورت محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب، قرارداد ارفاقی باطل خواهد بود.

۲. مطابق ماده ۴۹۰ ق.ت تجارت چنانچه بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی معلوم گردد تاجر در میزان دارایی یا میزان قروض خود حيله و تقلب به کار برده و میزان واقعی را بیان ننموده است.

آثار بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی:

سؤال: پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی در شهرهایی که اداره تصفیه وجود ندارد آیا مدیر تصفیه یا عضو ناظر سابق انجام وظیفه می‌کنند یا اینکه دادگاه مدیر تصفیه یا عضو ناظر جدید انتخاب می‌کند؟

با توجه به ماده ۴۹۷ ق.ت تجارت پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی، محکمه عضو ناظر و مدیر تصفیه جدید انتخاب خواهد نمود اما محتمل است آنها همان عضو ناظر یا مدیر تصفیه سابق باشند یا خیر.

سؤال: اگر برای حسن اجرای قرارداد ضامنی داده شده باشد در صورت بطلان قرارداد ارفاقی تکلیف ضمانت چیست؟ در این صورت ضمانت ضامن نیز ملغی می‌گردد.

✓ طبق ماده ۵۰۰ ق.ت، به واسطه فسخ یا بطلان قرارداد ارفاقی، معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود معاملات منعقد شده به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

✓ ماده ۵۰۱ ق.ت: «در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند، به غرما تقسیم می‌شود.»

ورشکستگی مجدد تاجر (ماده ۵۰۳ ق.ت):

ممکن است تاجر در طول مدت اجراء قرارداد ارفاقی، مجدداً ورشکست شود، در این صورت:

- ✓ مجدداً برای او حکم ورشکستگی صادر و مدیر تصفیه و عضو ناظر تعیین می‌گردد.
- ✓ دارایی موجود تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که به واسطه معاملات صورت گرفته پس از انعقاد قرارداد ارفاقی، از تاجر طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود.

تفریغ حساب:

✓ ماده ۵۰۴ ق.ت: «اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.» منظور از عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی این است که مدیر تصفیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده و مطالبات و دیون او را صلح یا وصول نموده و تفریغ حساب نماید. چنین اقدامی تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می‌آید، در نهایت، عملیات تصفیه به دو شکل عادی و اختصاری به عمل می‌آید: منظور از تصفیه عادی به موجب مواد ۲۴، ۲۵ و ۴۰ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸) حالتی است که ورشکسته هزینه‌های عملیات تصفیه را بتواند پرداخت نماید که در این صورت نشر آگهی در روزنامه رسمی یک بار به عمل آمده و پس از ۱۰ روز، یک بار دیگر در روزنامه کثیرالانتشار به عمل می‌آید و نسخه‌ای نیز برای طلبکاران ارسال می‌شود تا ظرف دو ماه هر ادعایی دارند مطرح کنند در تصفیه اختصاری که ناظر به حالتی است که هزینه عملیات تصفیه قابل پرداخت نیست، به شکل مختصر یعنی فقط با یک بار نشر آگهی و دادن فرصت ۴۰ روزه به طلبکارها برای طرح ادعا و بدون رعایت تشریفات بدون مزایده اموال به فروش رسیده و تقسیم می‌شود. نکته حائز اهمیت آنکه تقسیم اموال چه در تصفیه عادی و چه در تصفیه اختصاری باید به ترتیب ذیل صورت گیرد: **اول** هزینه‌های ورشکستگی و تصفیه کنار گذاشته می‌شود؛ **دوم** طلبکارهای با وثیقه بر سایر طلبکارها مقدم است یعنی هر کس وثیقه دارد چه رسمی چه غیررسمی بر سایر طلبکارها مقدم است؛ **سوم** طلبکارهای با حق تقدم (ممتازها) که اینا می‌شن: ۱. حقوق خدمه و کارگر؛ ۲. حقوق تحت قیمومت یا ولایت ورشکسته؛ ۳. پزشک و دارو فروش (حقوق درمانی)؛ ۴. نفقه همسر؛ و **چهارم** طلبکاران عادی.

✓ ماده ۵۱۰ ق.ت: «در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته را بفروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصلحه و وصول و تفریغ کند. تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل می‌آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی‌العموم (دادستان) کافی است - فروش اموال مطابق نظام‌نامه وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد.»

اصل تساوی حقوق بستانکاران:

منظور از اصل تساوی حقوق بستانکاران آن است که همه طلبکاران از حقوق مساوی برخوردار بوده و هیچ‌کدام بر همدیگر برتری ندارند.

سؤال: آیا بر اصل تساوی حقوق بستانکاران استثنائی وارد می‌باشد یا خیر؟

بلی، مطابق ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، طلبکاران ممتاز و طلبکاران با حق اولویت استثنائات وارد بر اصل می‌باشند.

سؤال: ملاک طلبکاران ممتاز و طلبکاران با حق اولویت چیست؟

ملاک ما برای طلبکار ممتاز و دارای حق اولویت، منحصراً ماده ۵۸ ق. اداره تصفیه امور ورشکستگی می‌باشد. در پرونده‌ای که اداره دارایی به قانون خاص دیگری جهت قلمداد نمودن خود به عنوان طلبکار ممتاز استناد می‌نمود، هیأت عمومی دیوان در یک رأی وحدت رویه این امر را قبول ننموده و ملاک طلبکار ممتاز و با حق اولویت را ماده ۵۸ ق. اداره تصفیه امور ورشکستگی قلمداد نمود.

سؤال: منظور از طلبکاران ممتاز کدام طلبکاران هستند؟

مطابق ماده ۵۸ ق. اداره تصفیه امور ورشکستگی، طلبکاران صاحب وثیقه به عنوان طلبکار ممتاز قلمداد می‌گردند.

سؤال: آیا بانک‌ها هم نسبت به اصل طلب و هم نسبت به بهره‌ها (در موردی که دارای وثیقه باشند) طلبکار ممتاز قلمداد می‌گردند یا اینکه فقط نسبت به اصل طلب، طلبکار ممتاز قلمداد می‌گردند؟

با توجه به رأی وحدت رویه، بانک‌ها فقط نسبت به اصل طلب، طلبکار ممتاز قلمداد می‌گردند و نسبت به بهره‌ها باید داخل در صف غرماء گردند (منظور بهره‌های قبل از زمان توقف می‌باشد).

سؤال: اگر مال مورد وثیقه به بیش‌تر از طلبی که بابت آن وثیقه بوده به فروش رود و آن طلبکار یک طلب دیگر نیز از تاجر ورشکسته داشته باشد، تکلیف چیست؟

بایستی مازاد به مدیر تصفیه داده شود تا بین غرماء تقسیم گردد و آن طلبکار بابت طلب دیگر، داخل در صف غرماء می‌گردد.

سؤال: اگر حاصل فروش مال وثیقه، کفاف طلب طلبکار را نکند تکلیف چیست؟

قسمت دوم ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مقرر داشته، طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده طلبکار بابت بقیه طلب داخل در صف غرماء می‌گردد؛ اما باید گفت با توجه به ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک این قسمت از ماده قابلیت اعمال ندارد زیرا مطابق ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاک، اگر مال مورد وثیقه به بیش‌تر از قیمتی که رهن بوده به فروش نرود به همان مبلغی که رهن بوده به مرتبه‌ن تملیک می‌گردد یعنی در این صورت، دیگر آن طلبکار با حق وثیقه، از ورشکسته طلبکار باقی نمی‌ماند.

صندوق‌های «الف و ب» موضوع قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی:

مواد ۵۱ الی ۵۷ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در این زمینه بیان حکم نموده است.

اعاده اعتبار:

تأدیه دیون، بدیهی‌ترین راه خاتمه ورشکستگی، تأدیه همه دیون ورشکسته است که طبیعتاً منتهی به تسویه دیون شده و بر خلاف دو طریق دیگر (تنظیم قرارداد ارفاقی و تفریغ و تصفیه دیون) که قانوناً سبب خاتمه ورشکستگی می‌شوند این روش واقعاً سبب خاتمه ورشکستگی می‌شود و آن زمانی است که به موجب ماده ۵۶۱ ق.ت تاجر کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارج کاملاً بپردازد و نسبت به خسارت تأخیر نیز با وجود آنکه به موجب رأی وحدت رویه از تاریخ توقف به بعد منتفی است به موجب ماده ۵۶۲ تا ۵ سال قبل از تاریخ توقف قابل مطالبه و پرداخت است به هر حال با خاتمه ورشکستگی از هر کدام از سه طریق فوق (ارفاق، تصفیه، تسویه) اگر تاجر ورشکسته بخواهد مجدداً به انجام اعمال تجاری اعمال کند باید به درخواست اعاده اعتبار کند، اعاده اعتبار یا به صورت واقعی و آن وقتی است که خاتمه از طریق تسویه بوده باشد و یا به شکل قانونی بوده باشد (و آن وقتی که به شکل ارفاق یا تصفیه بوده باشد) به عمل می‌آید.

✓ خاتمه اگر با ارفاق یا تصفیه باشد: اعاده قانونی

✓ خاتمه اگر با تسویه باشد: اعاده واقعی (حقیقی)

اعاده اعتبار بر دو نوع است:

۱. اعاده اعتبار واقعی یا حقیقی:

آن است که تاجر مطابق ماده ۵۶۱ ق.ت تجارت کلیه بدهی‌های خود را با متفرعات و مخارج آن پرداخت نماید. در این اعاده اعتبار دیگر بحث از اثبات صحت عمل تاجر در ظرف مدت معینی مطرح نمی‌باشد.

۲. اعاده اعتبار قانونی:

مشمول ماده ۵۶۵ ق.ت تجارت می‌باشد و دارای شرایط ذیل است:

الف- تاجر صحت عمل خود را در ظرف ۵ سال از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی اثبات نماید.

ب- تاجر به مفاد و شرایط قرارداد ارفاقی عمل نموده و وجوهی که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده گرفته است، پرداخت نماید یا کلیه طلبکاران به اعاده اعتبار تاجر رضایت دهند یا کلیه طلبکاران ذمه تاجر را بری نمایند. (در صورت جمع شرایط فوق یعنی بند ۱ و یکی از مصادیق بند ۲ تاجر قانوناً اعاده اعتبار پیدا می‌نماید)

لازم به یادآوری است که در خصوص اعاده اعتبار، با توجه به ماده ۵۷۱ ق.ت محکمه اتخاذ تصمیم می نماید. همچنین حکم راجع به اعاده اعتبار خواه در خصوص رد و خواه در خصوص پذیرش، قابل تجدیدنظر می باشد. اگر اعاده اعتبار رد شود پس از شش ماه از تاریخ قطعیت، مجدداً دعوی اعاده اعتبار قابل طرح می باشد.

نکته: مطابق ماده ۵۷۵ ق.ت ورشکسته به تقلب و همچنین جرم سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده اند، نمی توانند از جنبه تجاری اعاده اعتبار کنند.

از ماده ۵۶۶ تا ۵۷۵، **تشریفات اعاده اعتبار** گفته شده است:

- ✓ با تقدیم درخواست به دادستان حوزه قضایی به عمل می آید (ترجمه ماده ۵۶۶ ق.ت)؛
- ✓ درخواست فوق در مدت یک ماه در اتاق دادگاه بدوی و دادسرا الصاق می شود (ماده ۵۶۷ ق.ت)؛
- ✓ درخواست فوق با پست سفارشی دوقبضه به کلیه طلبکاران ارسال می شود (مواد ۵۶۱، ۵۶۲ و ۵۶۷ ق.ت)؛
- ✓ عدم اعتراض احتمالی ظرف یک ماه و عدم ورود ثالث توسط معترضان (مواد ۵۶۸ و ۵۶۹ ق.ت)؛
- ✓ حکم اعاده اعتبار در یک جلسه علنی صادر می شود (ماده ۵۷۱ ق.ت)؛
- ✓ حکم صادره ظرف ۱۰ روز از تاریخ اعلام حکم قابل تجدیدنظر است (مواد ۵۷۲ تا ۵۷۳)؛
- ✓ اگر عرضحال (درخواست) قبول شده و حکم اعاده اعتبار صادر شده باشد در دفتر مخصوصی ثبت و با مرکب قرمز، مقابل اسم تاجر ورشکسته قید می شود (ماده ۵۷۴ ق.ت)؛
- ✓ اعاده اعتبار تجاری در صورتی پذیرفته می شود که ورشکستگی به تقلب و یا همراه با سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت از جنبه جزایی اعاده اعتبار و یا اعاده حیثیت شده باشد (ماده ۵۷۵ ق.ت).

دعوی استرداد (مواد ۵۲۸ الی ۵۳۵ ق.تجارت):

دعوی استرداد: دعوی استرداد، یعنی شخصی که مالی در دست تاجر دارد، به جای آنکه وارد صف غرما شود؛ می تواند مال خود را مسترد کند و بدین ترتیب به تمام طلب خود نائل شود.

تفسیر ماده ۵۲۸ ق.تجارت: در این ماده یا ظهرونیسی جهت وکالت به عمل آمده و یا اینکه سند تجاری به دلیل دیگری در دست تاجر امانت بوده است. حال اگر تاجر وجه آن سند تجاری را وصول نماید و ورشکسته گردد، دارنده واقعی سند بایستی داخل در صف غرما گردد اما چنانچه هنوز تاجر وجه آن سند تجاری را وصول ننموده است و اصل آن سند در دست تاجر باشد دارنده می تواند پس از ورشکستگی تاجر مراجعه نموده و اصل سند خود را مسترد دارد زیرا می دانیم هر عین متعلق به غیر بایستی مسترد گردد. استرداد عین اوراق و اسناد با داشتن ۳ شرط مسموع است:

۱. اسناد و اوراق (چه تجاری و چه غیرتجاری) به صورت امانت و نه مالکیت نزد تاجر باشد.
۲. اثبات شود اوراق و اسناد متعلق به خواهان بوده و نه تاجر.
۳. عین اسناد و اوراق حین ورشکستگی موجود باشد که در این صورت مدعی استرداد می تواند ابتدا ظرف دو ماه از طریق اداره تصفیه تقاضای تصفیه نماید در صورت عدم پذیرش اداره تصفیه از طریق دادگاه اقدام می شود. مستند: ماده ۲۴ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸) و ماده ۲۸ این قانون و ماده ۵۳۵ ق.ت.

تفسیر ماده ۵۲۹ ق.تجارت: در این ماده تاجر به عنوان واسطه عمل می نموده است یعنی تاجر، حق العمل کار جهت فروش مال غیر بوده و چون در هنگام ورشکستگی تاجر، عین آن مال موجود است، حق استرداد آن را خواهد داشت. استرداد عین اموال امانی نیز با جمع ۳ شرط مسموع است:

۱. مال یا اموالی نزد ورشکسته به امانت بوده یا برای نگهداری یا برای فروش.
۲. تعلق آن مال به خواهان، ثابت شود.
۳. عین آن اموال موجود باشد چه کلاً چه جزئاً (چه نزد تاجر چه نزد شخص دیگری که از طرف تاجر است).

تفسیر ماده ۵۳۰ ق. تجارت: در ۵۳۰ که ماده مهمیه، تاجر، حق العمل کاری کرده است؛ در واقع، تاجر، حق العمل کار در خرید بوده است. آمر زمانی می تواند به تاجر مراجعه کند که قیمت، پرداخت شده باشد اما اگر قیمت، پرداخت نشده باشد، فروشنده می تواند رجوع کند.

تفسیر ماده ۵۳۱ ق. تجارت: در اینجا تاجر، حق العمل کار در فروش است. در این ماده نیز باز تاجر به عنوان واسطه عمل می نموده و چون در مورد قیمت هنوز محاسباتی با خریدار به عمل نیامده، مالک یعنی فروشنده حق استرداد کالا را خواهد داشت. پس:

- اگر قیمت محاسبه نشده باشد، از سوی صاحب کالا که فروشنده است قابل استرداد است.

- اگر قیمت محاسبه شده باشد، از سوی خریدار قابل استرداد است.

به طور کلی تا زمانی که عین مال موجود است به فروش نرفته یا قیمت آن محاسبه و پرداخت نشده صاحب مال می تواند آن را استرداد نماید و الا طرف مقابل یعنی خریدار می تواند استرداد کند.

تفسیر ماده ۵۳۲ ق. تجارت: در این ماده، علت عدم پذیرش دعوی استرداد آن است که قانونگذار برای بارنامه یا اسناد مشابه آن اعتبار زیادی قائل می باشد. ۵۳۲ و ۵۳۳ بیانگر سه حالت می باشد که تاجر به اصالت اقدام به خرید نموده و دعوای استرداد قابل بررسی می باشد:

۱. کالا به تاجر فروخته شده اما مبیع هنوز در تصرف بایع است که به استناد ماده ۵۳۳ صاحب کالا از تسلیم آن امتناع می نماید و مقصود از استرداد در این حالت همان امتناع از تسلیم است.

۲. کالا به تاجر فروخته شده و مبیع نیز ارسال شده اما هنوز وصول نشده است و همچنین از سوی تاجر به موجب صورت حساب یا بارنامه به دیگری فروخته نشده است که در این صورت باز هم حق استرداد برای بایع محفوظ است.

۳. کالا به تاجر فروخته شده و مبیع تسلیم تاجر شده است در این حالت قانونگذار قانون تجارت تعیین تکلیف نکرده و بر خلاف دیدگاه ماده ۳۸۰ قانون مدنی در باب خیار تقلیس که چنین حالتی را نیز قابل استرداد می داند به نظر می رسد سؤالات نص محور (مثل قانون و قضاوت) چنین حالتی دیگر قابل استرداد نیست.

تفسیر ماده ۵۳۳ ق. تجارت: در این ماده ذکر سه نکته لازم است:

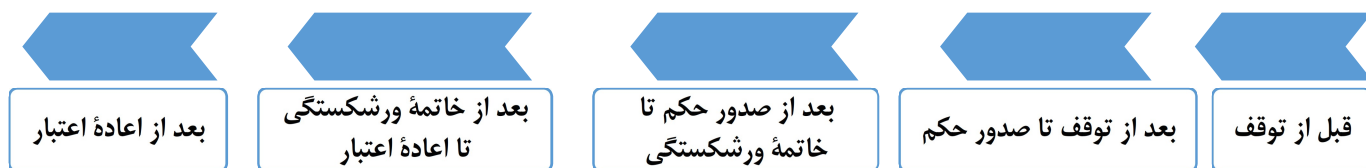
اولاً: برعکس مواد قبلی که تاجر به عنوان واسطه بوده، در این ماده تاجر خود اصیل در معامله می باشد.

ثانیاً: برعکس مواد قبلی که بحث دعوی استرداد مطرح بوده در این ماده حق حبس مطرح می باشد.

ثالثاً: قانونگذار در این ماده حکم موردی را بیان داشته که مورد قابل تجزیه باشد.

برای مثال شخصی ۱۰ تن برنج به مبلغ ۱۰۰ میلیون به تاجر می فروشد. از ثمن معامله ۲۰ میلیون تحویل گرفته است. حال اگر بعداً تاجر، ورشکسته گردد، فروشنده بایستی ۲ تن از برنج ها را تحویل دهد ولی می تواند نسبت به ۸ تن از حق حبس استفاده نماید اما قانونگذار حکم موردی را که مورد معامله قابل تجزیه نباشد، بیان نداشته است. برای مثال شخصی ماشینی را به مبلغ ۳۰۰ میلیون به تاجر می فروشد و بابت ثمن معامله ۱۰۰ میلیون دریافت می کند حال اگر بعداً تاجر، ورشکسته گردد تکلیف چیست؟ حکم مقرر در ماده ۵۳۳ ق. تجارت منصرف به موردی است که هنوز مورد معامله تسلیم تاجر نشده و می توان با استناد به ماده ۳۷۷ ق. مدنی حق حبس را برای فروشنده قائل شد.

با این «تایم لاین» یا «خط زمانی» پنج مرحله ای می خواهیم ورشکستگی رو جمع بندی کنیم:



۱. قبل توقف: علی الاصول چنین معاملاتی صحیح است مگر ... ۴۲۶ / ۴۲۴.

در این مقطع، تاجر سالم است پس طبیعتاً وضعیت معاملاتش نباید با اشخاص عادی متفاوت باشد یعنی با همان قواعد عمومی مدنی، معاملاتش صحیح است مگر اینکه شرایط اساسی صحت مفقود باشد که باز هم همان ضمانت اجرای مدنی حاکم است، فی المثل معامله صوری یا مسبوق به تبانی خود به خود باطل است البته قانون تجارت به موجب ماده ۴۲۴ ق.ت ضمانت اجرای خاصی را بر خلاف قانون مدنی پیش‌بینی کرده است.

نکته: هر جا قانون تجارت چیزی درباره عقد نگفته همونی رو بزن که در مدنی گفته!

عقد صوری باطل است. عقد به قصد فرار از دین در حقوق مدنی غیر قابل استناد است اما در ماده ۴۲۴ ق.ت می‌گوید فرار از دین تاجر متوقف: قبل از توقف: فسخ؛ قابل تجارت می‌گوید: اولاً ضرر یک چهارم باشد حداقل؛ دوماً عدم پرداخت تفاوت قیمت؛ سوماً ظرف دو سال دعوای فسخ اقامه شده باشد.

معامله به قصد فرار از دین به موجب قانون مدنی ضمانت اجرای صریحی ندارد بلکه تنها معامله به قصد فرار از دین صوری باطل دانسته شده است که مطلب جدیدی نیست چرا که هر معامله صوری باطل است بنابراین ضمانت اجرای چنین معامله‌ای به موجب ماده ۲۱ قانون خاص نحوه اجرای محکومیت‌های مالی غیر قابل استناد می‌باشد. در حال حاضر برای آنکه معامله به قصد فرار از دین محرز شود حتماً باید انتقال اموال یا انجام معامله بعد از صدور حکم قطعی علیه مدیون صورت گرفته باشد تا مشمول بزه فرار از دین شود و الا سوءنیت منتفی است و چنین معامله‌ای صحیح است (رای وحدت رویه ۷۷۴ - ۹۸/۱/۲۰) به هر تقدیر در ق.ت معامله به قصد فرار دین مشمول همان ضمانت اجرا است مگر اینکه معامله به قصد فرار از دین تاجر متوقف قبل از توقف مطرح باشد که طبق ماده ۴۲۴ ق.ت قابل فسخ است.

۲. بعد از توقف: علی‌الاصول چنین معاملاتی صحیح است مگر ۴۲۳ و (۵۵۷ + ۵۵۱ که تاجر متوقف، متخلف است).
بعد از توقف نیز با همان قواعد عمومی مدنی اصولاً معاملات تاجر متوقف صحیح است مگر دو دسته استثناء ماده ۴۲۳ و ۵۵۷ ق.ت: به موجب ۴۲۳ ق.ت فقط ۳ دسته باطل است: ۱. هر نوع نقل و انتقال بلاعوض؛ ۲. تأدیة قروض؛ ۳. معامله‌ای که مال تاجر را مقید نماید مانند رهن که به ضرر طلبکاران باشد. ماده ۵۵۷ ق.ت هم می‌گه: کلیه معاملات بعد از توقف باطله به شرطی که تاجر متوقف مجرم باشد! این ماده درباره تاجر مجرمه!

وقتی توی آزمون‌ها از شما به صورت مطلق سؤال می‌کنند اصل بر غیر مجرم بودن است و معاملات او صحیح است مگر سه دسته ۴۲۳ ق.ت: اما اگر مقید کند که تاجر، مجرم است که در اینجا با جمع مواد ۵۵۱ + ۵۵۷ ق.ت می‌گیریم کل معاملات، باطل است. اما یک کلید برای آزمون کانون: از آنجا که اصل بر غیر مجرم بودن تاجر است در سؤالات مطلق باید قائل به صحیح معاملات بعد از توقف باشیم مگر تصریح به بلاعوض بودن؛ قرض؛ معامله مقید؛ معامله ورشکسته به تقلب وجود داشته باشد.

۳. بعد از صدور حکم: چنین معاملاتی باطل است.

با توجه به ماده ۴۱۸ ق.ت که تاجر را از مداخله در اموالش بعد از صدور حکم ورشکستگی منع کرده بود به نظر می‌رسد نتیجه سلب مداخله تاجر در اموالش این باشد که معاملات او پس از صدور حکم ورشکستگی تماماً محکوم به بطلان است.

۴. بعد از خاتمه ورشکستگی: علی‌الاصول چنین معاملاتی صحیح است مگر ماده ۵۰۰ ق.ت.

تاجر ورشکسته به واسطه قرارداد ارفاقی یا تصفیة دیون یا تأدیة دیون، ورشکستگی‌اش خاتمه یافته و مجدداً می‌تواند در اموال خود مداخله نماید بنابراین علی‌الاصول معاملات چنین تاجری بعد از خاتمه صحیح است مگر در یک حالت استثناء که به موجب ماده ۵۰۰ ق.ت: معامله به قصد اضرائی که به ضرر طلبکاران است پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ آن که باطل محسوب می‌شود؛ ولی اگر معامله به قصد فرار و ضرر نبوده باشد صحیح است.

نکته: معامله به قصد اضرائ قبل از توقف به موجب ماده ۴۲۴ قابل فسخ است و چنین معامله‌ای بعد از خاتمه ورشکستگی به موجب قرارداد ارفاقی که قرارداد مذکور منتهی به بطلان شده است باطل است بر خلاف قانون مدنی که کلاً غیر قابل استناد است.

۵. بعد از صدور حکم اعاده اعتبار: علی‌الاصول چنین معاملاتی صحیح است مگر ...

در این مقطع، در همان وضعیت عادی خود قرار گرفته و مشمول سیستم قانون مدنی است و معاملات او علی‌الاصول صحیح است مگر با فقدان شرایط اساسی روبه‌رو باشیم که همان ضمانت اجرای عمومی قانون مدنی در آن اعمال می‌شود.

به طور کلی در سؤال‌های مطروحه در خصوص معاملات تاجر ورشکسته همان قواعد قانون مدنی حکم‌فرماست به جز معامله به قصد فرار از دین یا اضرار که قبل از توقف، قابل فسخ و بعد از قرارداد ارفاقی باطل است؛ به جز معامله بلاعوض، تأدیه قرض و معامله مقیدکننده مال و معامله ورشکسته به تقلب بعد از توقف باطل و معاملات تاجر بعد از صدور حکم کلاً باطل است.

نکته ماده ۴۱۵ ق.ت: ورشکستگی تاجر با **حکم اعلامی** دادگاه بدوی اعلام می‌شود ولی جنبه تأسیس هم دارد. شما هر کتابی رو که بخوانید نوشته که حکم ورشکستگی، اعلامی است اما اگر تستی آمد و گزینه، «اعلامی» بود و گزینه دیگر گفته بود که حکم ورشکستگی «اعلامی و تأسیسی» است، گزینه اخیر صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

نکته: در نتیجه بطلان یا فسخ قرارداد سؤالی که مطرح می‌شود نحوه دریافت ثمن یا عوض معامله می‌باشد که باید گفت اصولاً شخص طلبکار در نتیجه بطلان باید در صف غرماً قرار گیرد یعنی طلبکار، جزء هیأت طلبکاران به شمار می‌آید مگر استثنائاً در خصوص فسخ که به موجب ماده ۴۲۵ ق.ت بدون ورود در غرماً و قبل از تقسیم دارایی بین غرماً مستحق دریافت دین یا تفاوت قیمت خواهد بود.

نکته ماده ۴۱۷ ق.ت: حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود لذا نیازی به قطعی شدن جهت اجراء ندارد. یعنی قبل از قطعیت به موقع اجرا گذاشته می‌شود البته در اینکه آیا به طور کامل اجرا می‌شود یا به طور جزئی محل سؤال است که با توجه به نظر مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷۰۴، اجرای حکم ورشکستگی در قانون تجارت، اجرای موقت، منحصر است به اقدامات تأمینی و دعوت بستانکاران و اداره اموال و رسیدگی به مطالبات و سایر اقدامات ضروری برای حفظ حقوق دیان و خود ورشکسته و شامل فروش اموال نمی‌شود.

ماده ۴۱۹ ق.ت: داره راجع به اثر حکم ورشکستگی صحبت می‌کند: از تاریخ حکم ورشکستگی (از مرحله سه تأیید لاین بالا) هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی اعم از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

نکته: محکمه، عضو ناظر رو معین می‌کند؛ شکایت مدیر تصفیه را می‌توان نزد عضو ناظر برد؛ رسیدگی به شکایت از تصمیمات عضو ناظر «فقط در مواردی که قانون معین کرده» با دادگاهی است که عضو ناظر را معین کرده؛ حواستون باشه اگر اداره تصفیه باشه دیگه عضو ناظر لازم نیست.

نکته: از ماده ۴۳۴ می‌فهمیم که کارهای عضو ناظر پلیسی (یعنی راپورت‌دهنده) است (پلمپ می‌کند؛ مهر و موم می‌کند و ..) اما مدیر کارش دفتری است (صورت جلسه تنظیم می‌کند و ...). یک جا کار این دو برعکس می‌شود که اتفاقاً سؤال هم هست: ماده ۴۷۸ ق.ت می‌گه «مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد ... و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس ترتیب دهد.» اینجا مدیر تصفیه راپورت می‌دهد! عضو ناظر صورت جلسه می‌نویسد!

مندرجات و محتویات حکم ورشکستگی (این هفت مورد ممکن است باشد و بعضی‌هاش ممکنه نباشد): ۱. تعیین تاجر بودن ورشکسته (۴۱۲ ق.ت) (شرط لازم و باید است)؛ ۲. تعیین توقف از تأدیه (۴۱۲ ق.ت) (شرط لازم و باید است)؛ ۳. تعیین تاریخ توقف از تأدیه (۴۱۲ ق.ت) (الزامی نیست)؛ ۴. تعیین توقیف تاجر (بازداشت تاجر) (۴۳۷ ق.ت) (الزامی نیست)؛ ۵. تعیین توقیف اموال تاجر (۴۳۳ تا ۴۳۹) (اگر صورت‌برداری در یک روز باشد، مهر و موم، لازم و اجباری نیست). (امر مهر و موم را در رأی می‌نویسند، نوشتن این امر، الزامی و مطلق است، چه اداره تصفیه باشد، چه نباشد. اما اجرای مهر و موم بستگی به زمانی دارد که برای صورت‌برداری نیاز است که در یک روز انجام می‌شود یا نه. حواستون باشه! توی این یک روز مهر و موم نمی‌کند بلکه اگه صورت‌برداری توسط مدیر تصفیه امکان‌پذیر نبود اوون وقت دادگاه مهر و موم می‌کند!)؛ ۶. تعیین مدیر تصفیه (۴۴۰ تا ۴۴۲) (مدیر تصفیه باید ظرف ۵ روز

مشخص شود پس الزامی نیست که در حکم باشد؛ ۷. تعیین عضو ناظر (۴۲۷ تا ۴۳۲) (اگر اداره تصفیه نباشد ضمن حکم باید تعیین شود؛ اما اگر اداره تصفیه باشد اصلاً لازم نیست).

نکته: وقتی اداره تصفیه داشته باشیم، مهر و موم و صورت‌برداری هر دو توسط اداره تصفیه خواهد بود.

نکته ماده ۴۳۷: در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارایی خود را مخفی نموده باشد **امین صلح** [یعنی رئیس دادگاه] می‌توان بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به **مدعی‌العموم** [یعنی دادستان] اطلاع دهد.

نکته: این مهر و موم ربطی به صورت‌برداری ندارد بلکه یک اقدام تأمینی است.

نکته: بین ورشکستگی شرکت تجاری با شرکا ملازمه‌ای وجود ندارد، به هیچ عنوان هرچند که در شرکت اشخاص (تضامنی، مختلط یا نسبی) امکان رجوع به شرکا وجود دارد آن هم پس از تصفیه شرکت، لذا اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نمی‌شود. نکته: مستثنیات دین شامل مهر و موم نمی‌شود.

نکته: امر به توقیف یک چیز است؛ توقیف اموال چیز دیگری است.

نکته: اگر تاجر ورشکسته، به این موارد عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد:

۱. عدم اظهار توقیف خود «ظرف سه روز از تاریخ وقفه‌ای که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی حاصل شده» به دفتر محکمه بدایت [دادگاه نخستین] و عدم تسلیم صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجاری به دفتر دادگاه بدوی محل اقامت خود؛ ۲. فقدان یک یا تمام مراتب ذیل در صورت حساب دارایی: ۱. تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیرمنقول تاجر متوقف به طور مشروح؛ ۲. صورت کلیه قروض و مطالبات؛ ۳. صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.

نکته: قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد تاجر ورشکسته به واسطه اقدامات خود می‌خواهد از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی جلوگیری کند.

پس اصولاً بازداشت یا توقیف ورشکسته ضروری نیست مگر استثنائاً در صورت تخلف از موارد فوق.

نکته: حکم ورشکستگی تاجر به موجب ماده ۴۱۵ بر اساس اظهار خود تاجر یا تقاضای طلبکار یا تقاضای مدعی‌العموم اعلام می‌شود؛ بنابراین خواهان دعوی ورشکستگی هر یک از اشخاص فوق می‌تواند باشد و خواننده دعوا تاجر ورشکسته است ولی در عمل دعوی ورشکستگی علیه طلبکار یا طلبکاران طرح می‌شود؛ چون ملاک بریمی ورشکسته دعوی ورشکستگی طرح می‌کنم که پول توئه طلبکار رو ندیم!

نکته‌ای در باب خاتمه ورشکستگی: پس از اینکه ورشکستگی به صورت رسمی محقق شد و آثار آن در معامله‌های تاجر ورشکسته نمایان شد اکنون ورشکستگی به سه طریق خاتمه می‌یابد: ۱. تنظیم قرارداد ارفاقی (۴۷۶ تا ۵۰۳ ق.ت)؛ ۲. تفریغ و تصفیه دیون (۵۰۴ تا ۵۲۶ ق.ت)؛ ۳. تأدیه تمام دیون (۵۶۱ تا ۵۷۵ ق.ت).

سه طریق بالا نسبت به همدیگر تقدّم و تأخر دارند یعنی مدیر تصفیه قبل از اقدام به عملیات تصفیه باید نسبت به قرارداد ارفاقی تعیین تکلیف نماید و در صورت عدم تحقق قرارداد ارفاقی، عملیات تصفیه و تفریغ حساب به عمل خواهد آمد.

با خواندن نکات زیر، مطالب، در ذهن‌تان تثبیت خواهد شد و اصلاً به جور خوبی می‌شینید توی عمق وجودتون تون!

ورشکستگی

نکته ۱: مقررات ورشکستگی فقط مختص به **تجار** است اعم از حقیقی یا حقوقی (شرکت‌ها و حتی تعاونی‌ها). توقف از سوی غیرتاجر تحت عنوان افلاس رسیدگی می‌شود (اعسار). وفق ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. کسبه‌ی جزء مشمول مقررات ورشکستگی نیستند و باید درخواست اعسار کنند.

نکته ۲: تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه‌ی دادرسی می‌باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه‌ی جزء مشمول این ماده نخواهند بود.

نکته ۳: تأثیر صدور حکم ورشکستگی شرکت بر شرکای شرکت: ورشکستگی شرکت تضامنی، ملازمه‌ی قانونی با ورشکستگی شریک ندارد مگر آنکه شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید و شریک از پرداخت طلب عاجز باشد و شخصاً نیز تاجر باشد و طلبکار طرح دعوی نماید و دادگاه توقف شریک تاجر را احراز نماید و حکم به ورشکستگی شریک دهد.

نکته ۴: صرف عدم پرداخت دین، موجب توقف است و استمرار عدم امکان پرداخت تا زمان صدور حکم ملاک نیست.

نکته ۵: توقف در پرداخت دیون اعم از دیون مدنی یا تجاری ضابطه‌ی ورشکستگی می‌باشد اما توقف در پرداخت دینی را می‌توان ملاک توقف قرار داد که مسلم و منجز باشد اعم از آنکه دین مربوط به امور تجاری یا غیرتجاری باشد. در نتیجه اگر دینی مؤجل باشد توقف از پرداخت سالبه به انتفاع موضوع است و دینی هم که محل اختلاف باشد و محتاج رسیدگی قضایی باشد، عدم پرداخت آن موجب توقف نمی‌باشد مگر آنکه ادعای تاجر رد شده و دین وی ثابت شود و تاجر از پرداخت آن و اجرای حکم استنکاف ورزد.

نکته ۶: توقف در تعهدات غیرمالی مانند تعهد به انجام امری نمی‌تواند ضابطه‌ی توقف باشد اما در صورتی که تاجر از انجام تعهد مانند شرط فعلی که ضمن عقد بوده خودداری کرده و وفق ماده ۲۳۸ قانون مدنی، محکوم به پرداخت مابه‌ازای مالی آن شده باشد - یعنی دادگاه حکم به انجام تعهد به و سیله‌ی متعهدله و به هزینه‌ی متعهد داده باشد - و تاجر از تأدیه و پرداخت محکوم به استنکاف ورزد، می‌تواند اماره‌ای بر توقف وی باشد.

نکته ۷: شرط پذیرش دعوای ورشکستگی، توقف در زمان معامله یا زمان سررسید بدهی است نه زمان طرح دعوا. در نتیجه اگر تاجر در زمان سررسید یا معامله متوقف باشد و پس از آن در حین رسیدگی امکان پرداخت داشته باشد، قانوناً حکم ورشکستگی صادر می‌شود و تاجر می‌تواند متعاقباً درخواست اعاده‌ی اعتبار کند. البته در رویه قضایی چنین امری واقع نمی‌شود.

نکته ۸: تاریخ توقف تاریخ وقفه در ادای دیون است و محدودیتی ندارد و می‌تواند یک ماه یا یک سال یا ۱۰ سال قبل از تاریخ رسیدگی دادگاه باشد و طلبکاران می‌توانند نظر خود را راجع به این تاریخ بیان کنند و وفق ماده ۵۳۸ ق.ت.پس از انقضای مدتی که برای تشخیص و تصدیق طلب طلبکاران تعیین می‌شود دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکاران راجع به تعیین تاریخ توقف قبول نمی‌شود.

نکته ۹: اگر ورشکستگی راجع به تاجر متوفی باشد و دادگاه تاریخی را جهت توقف اعلام نکرده باشد، تاریخ فوت، تاریخ توقف محسوب می‌شود.

نکته ۱۰: اعلام توقف از سوی ورثه‌ی تاجر و طلبکاران و دادستان اختیاری است اما از سوی خود تاجر، اجباری است.

نکته ۱۱: وفق قانون تاجر باید ظرف سه روز از توقف، توقف خود را به دادگاه اعلام و صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری خود شامل تقویم کلیه اموال و قروض و مطالبات و صورت نفع و ضرر و مخارج شخصی را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ضمانت اجرای تخلف از این حکم، می‌تواند منجر به صدور حکم ورشکستگی شود (**ورشکستگی به تقصیر اختیاری = دادگاه مخیر به محکوم نمودن تاجر به ورشکستگی به تقصیر می‌شود**).

نکته ۱۲: در مورد شرکت‌ها این وظیفه بر عهده‌ی مدیران شرکت است. توجه کنید که این اعلام ماهیتاً اقرار نیست بلکه برعکس ممکن است بر اساس سوءنیت تاجر، اظهار به امری باشد که به نفع خود و به ضرر دیگری (یعنی طلبکاران) باشد در نتیجه دلیل قطعی نیست و دادگاه باید دقیقاً بررسی کند.

نکته ۱۳: وفق ماده ۱۴۵ ق.آ.د.م در صورتی که خواهان دعوای مدنی از اتباع بیگانه باشد باید به درخواست خوانده ایرانی تأمین مناسب بپردازد ولی در خصوص دعوای علیه متوقف به استناد بند ۵ همان ماده چنین الزامی وجود ندارد و خوانده‌ی دعوای توقف - تاجر ایرانی - نمی‌تواند از خواهان تبعه خارجه - طلبکار - درخواست تأمین اتباع بیگانه کند.

نکته ۱۴: وفق مواد ۲۱ و ۲۲ ق.آ.د.م دادگاه صالح برای رسیدگی دادگاه حقوقی محل اقامت تاجر است و در مورد شرکت‌ها مرکز اصلی شرکت ملاک است.

نکته ۱۵: دادخواست از سوی طلبکاران، به طرفیت تاجر طرح می‌شود و اگر تاجر وفق وظیفه قانونی خود اقدام به اعلام توقف نموده باشد باید دعوا را به طرفیت طلبکاران و دادستان طرح کند.

نکته ۱۶: این دعوا غیرمالی است. پس هزینه طرح دعوا معادل ۵۰ هزار ریال می‌باشد.

نکته ۱۷: وفق ماده ۴۹۶ ق.آ.د.م دعوای ورشکستگی قابل ارجاع به داوری و همچنین قابل رسیدگی در شوراهای حل اختلاف نیست.

نکته ۱۸: وفق ماده ۴۵۸ ق.ت نسبت به تمام دعاوی که هیأت طلبکارها در آن ذینفع می‌باشند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

نکته ۱۹: وفق ماده ۴۵۹ اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم‌الاجراء نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند. اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ورشکستگی به تقصیر اجباری:

نکته ۲۰: بند ۱) ولخرجی و بی‌کفایتی در مخارج شخصی یا مخارج خانه تاجر ورشکسته در ایام عادی

نکته ۲۱: بند ۲) ریسک غیرمنطقی و بی‌حساب تاجر

نکته ۲۲: بند ۳) خرید گران برای معلوم نشدن کمبودهای تجاری وی یا فروش ارزان برای به دست آوردن نقدینگی یا قرض گرفتن یا صدور برات سازشی یا وام‌های با نرخ بهره بالا یا گرفتن ربا.

نکته ۲۳: بند ۴) ترجیح دادن یکی از طلبکارها پس از تاریخ توقف بر سایر طلبکاران و پرداخت طلب وی.

ورشکستگی به تقصیر اختیاری:

نکته ۲۴: بند ۱) بر عهده گرفتن تعهدات مالی دیگری بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید. با توجه به اینکه پذیرش اینگونه تعهدات با وضع وی فوق‌العاده و خارج از اصول تجاری می‌باشد مانند قبول ضمان موجب نقل ذمه بدون اجازه‌ی مضمون‌عنه.

نکته ۲۵: بند ۲) پس از سه روز از تاریخ توقف، آن را با وجود سوءنیت به دادگاه اعلام نکرده است.

نکته ۲۶: بند ۳) در صورتی که دفتر نداشته یا دفتر او ناقص و یا بی‌ترتیب بوده و یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد. البته مشروط به اینکه در این موارد مرتکب تقلب نشده باشد.

ورشکستگی به تقلب:

نکته ۲۷: بند ۱) مفقود کردن دفاتر تجاری (عمدی و به قصد تقلب).

نکته ۲۸: بند ۲) از میان بردن صورتی قسمتی از دارایی تاجر از طریق مواضعه و معاملات صورتی.

نکته ۲۹: بند ۳) مخفی کردن قسمتی از دارایی به وسیله‌ی تاجر.

نکته ۳۰: بند ۴) بیشتر نشان دادن متقلبانگی بدهی به وسیله‌ی تاجر برای کم کردن سهم غرمایی (غرمای طلبکاران).

نکته ۳۱: اگر از بین بردن تمام یا قسمتی از دارایی تاجر توسط یکی از اقوام ورشکسته و بدون مشارکت مشارالیه باشد به مجازات مقرر در ماده ۵۵۲ ق.م.ا محکوم می‌شود یعنی در حکم سرقت است اما اگر این امر از سوی سایر نزدیکان - غیر از اقوام - باشد و یا اقوام با مشارکت ورشکسته این اقدام را بکنند مشمول مجازات مقرر در ماده ۵۵۱ ق.ت محکوم می‌شوند یعنی در حکم ورشکستگی به تقلب است.

صدور حکم ورشکستگی و آثار آن:

نکته ۳۲: **محجوریت تاجر و متعاقباً منع مداخله وی در کلیه امور مالی:** ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.

نکته ۳۳: ممنوعیت‌های تاجر شامل اموال موجود و همچنین اموالی که بعد از صدور حکم به دست می‌آید می‌باشد چه ارادی و چه قهری (ارث)

نکته ۳۴: تاجر از مداخله در امور مالی دیگران ممنوع نیست.

نکته ۳۵: تاجر از مداخله در امور غیرمالی خود و دیگران ممنوع نیست.

نکته ۳۶: ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد، به واسطه‌ی اینکه دارایی ورشکسته متعلق حق همه‌ی طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره‌ی تصفیه مراجعه نماید.

نکته ۳۷: اگر حکمی مالی علیه تاجر صادر شده باشد و در مهلت تجدیدنظر، حکم ورشکستگی وی نیز صادر شود وفق ماده ۳۳۷ ق.آ.د.م، مهلت جدید تجدیدنظرخواهی، از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار در مورد ورشکسته به مدیر تصفیه شروع می‌شود.

نکته ۳۸: وفق ماده ۳۳ ق.ا.ا.م هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجرای حکم مالی، ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره‌ی تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام شود.

نکته ۳۹: وفق ماده ۴۲۱ همین که حکم ورشکستگی صادر شد **قروض مؤجل** با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به **قروض حال** مبدل می‌شود و این یعنی **مطالبات او** حال نمی‌شود یعنی **قروض دیگران (م سؤولین دیگر)** حال نمی‌شود مگر در حالت استثنائی ماد ۴۲۲ ق.ت؛ بر همین مبنا وفق ماده ۴۲۲ اگر تاجر ورشکسته سفته صادر کرده باشد یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته باشد؛ سایر اشخاصی که مسؤول تأدیة وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیة آن را در سر وعده تأمین نمایند.

پس: مطالبات تاجر اجباراً حال نمی‌شود؛ اشخاصی که مسؤول تأدیة وجه فته طلب یا برات می‌باشند به صورت اختیاری می‌تواند تراضی کند (البته با لحاظ تخفیف مقتضی). دیون تاجر حال می‌شود.

نکته ۴۰: ضامن وی از این حکم مستثنی است و وفق ماده ۴۰۵ ق.ت قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیة نیست ولو اینکه به واسطه‌ی ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد. به عبارت دیگر، به موجب مواد ۴۰۵ و ۴۰۶ اگر ضامنی ضمانت مؤجل کرده باشد (نه حال) صرفاً در همان سررسید اجل مسؤول است ولو اینکه مدیون اصلی زودتر از سررسید اجل به دلایلی مثل ورشکستگی یا فوت دینش حال شده باشد. توجه کنید در این ماده از چک سخنی به میان نیامده و دلیل آن این است که از نظر قانون تجارت چک سندی حال و بی‌وعده است در نتیجه به محض صدور باید کارسازی (پرداخت) شود.

ماده ۴۰۷ می‌گه: «اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید به عمل آید.» با توجه به تبعیت دین ضامن از مدیون/مضمون‌عنه، تشریفات و شرایط دین نیز تبعیت می‌کند.

به موجب ماده ۴۰۸ و با توجه به تبعیت دین ضامن از دین اصلی، سقوط دین اصلی برابر با سقوط و براءت دین ضامن است.

با جمع مواد ۴۰۵ و ۴۰۹، حال شدن ضمان مؤجل، تکلیفی برای ضامن ایجاد نمی‌کند ولی اگر ضامن، اراده بر پرداخت داشته باشد، برای مضمون‌له تکلیف بر پذیرش ایجاد می‌شود.

امتناع مضمون‌له از دریافت طلب در ضمانت حقوق تجارت سبب براءت فوری ضامن می‌شود (بر خلاف ماده ۲۷۳ ق.م). در حقوق مدنی، امتناع مضمون‌له سبب براءت فوری نمی‌شود بلکه تکلیف به رجوع به حاکم و تسلیم به او سبب براءت است.

به موجب ماده ۴۱۱ همین که ضامن، دین اصلی را به مضمون‌له پرداخت نمود از باب قائم‌مقامی جانشین او شده و می‌تواند به مدیون اصلی مراجعه کند. چنین مراجعه‌ای مستلزم داشتن اسناد و مدارک و وثیقه منقول (در صورت وجود) در نزد ضامن که از مضمون‌له دریافت کرده است می‌باشد و اگر وثیقه غیرمنقولی باشد مستلزم انجام تشریفات انتقال آن وثیقه از سوی مضمون‌عنه به ضامن می‌باشد.

بطلان برخی معاملات از تاریخ صدور حکم (موضوع ماده ۴۲۳ ق.ت)

نکته ۴۱: الف. صلح محاباتی - صلح معوضی که عوض آن ناچیز است - هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال **بالاعوض** اعم از اینکه راجع به عین منقول یا غیرمنقول یا منافع یا حقوق مالی باشد.

نکته ۴۲: ب. تأدیة کردن هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

نکته ۴۳: ج. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را **مقید نماید** و به **ضرر** طلبکاران تمام شود منظور معاملاتی مثل رهن است که هر دو شرط مقید شدن و به ضرر طلبکاران را دارد.

نکته ۴۴: وفق رأی وحدت رویه: ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است. در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه‌ی هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود، باطل و بی‌اثر است.

نکته ۴۵: در هر مورد که بعد از تاریخ توقف، حکمی علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود، کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می‌باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی‌اعتبار است.

نکته ۴۶: استماع دعاوی استرداد: در دعاوی استرداد، خواهان دعوی در زمره‌ی طلبکاران نیست بلکه مالک و خواهان عین است و استرداد آن را از دادگاه می‌خواهد.

نکته ۴۷: تاجر حق‌العمل کار بوده جهت فروش مال خواهان - موضوع مواد ۵۲۹ و ۵۳۱ قانون تجارت - و در حین ورشکستگی، مال‌التجاره نزد تاجر ورشکسته بوده و مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

نکته ۴۸: هرگاه مال‌التجاره معامله شده و بین خریدار و تاجر ورشکسته قیمت آن پرداخت نشده باشد، از طرف صاحب‌مال (فروشنده) قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر یا خریدار باشد. به طور کلی هر مال متعلق به دیگری در نزد تاجر ورشکسته، قابل استرداد است.

نکته ۴۹: تاجر حق‌العمل کار جهت خرید بوده است - موضوع ماده ۵۳۰ ق.ت - و مال‌التجاره‌ای به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده و اگر پرداخت شده باشد از طرف خریدار قابل استرداد است.

نکته ۵۰: فروش مال به تاجر موضوع ماده ۵۳۳ قانون تجارت: فردی مال‌التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته لیکن هنوز جنس به تاجر تسلیم نشده و نه به کسی که به حساب او بیاورد (تاجر خود اصرار در معامله بوده)، آن کسی می‌تواند به اندازه‌ای که وجه را نگرفته از تسلیم آن امتناع کند؛ یعنی حق حبس دارد (ماده ۵۳۳ قانون مدنی در خصوص خیار تفلیس).

نکته ۵۱: اگر مال فروخته شده و به متصدی حمل داده شده باشد تا آن را به تاجر برساند و در این حین تاجر ورشکسته شود، فروشنده می‌تواند استرداد آن را از متصدی حمل بخواهد (مادام که به تاجر تسلیم نشده است) و استرداد کننده باید وجوهی را که به طور علی‌الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و نقل و کمیسیون و بیمه تأدیه شده به طلبکارها بپردازد اما اگر تاجر مالی را که به وسیله‌ی متصدی حمل برای وی ارسال شده است به وسیله‌ی بارنامه فروخته باشد و فروش صوری نباشد، دعوی استرداد پذیرفته نیست.

نکته ۵۲: طبق ماده ۴۲۴ قانون تجارت: معاملات تاجر به قصد فرار از دین یا برای اضرار به طلبکاران باشد و متضمن ضرری بیش از یک‌چهارم قیمت باشد در این صورت معامله در ظرف دو سال از تاریخ انعقاد قابل فسخ می‌باشد.

نکته ۵۳: وفق ماده ۴ ق.ن.ا.م. هر کس با قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم‌الاجرا و کلیه محکومیت‌های مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقیمانده‌ی اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت باده‌ی دین استیفا خواهد شد.

نکته ۵۴: وفق ماده ۲۱۸ مکرر ق.م. هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده و دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

نکته ۵۵: وضعیت معاملات بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی: سه نص قانونی در این باره وجود دارد:

۱. ماده ۴۲۳ قانون تجارت

۲. ماده ۵۵۷ قانون تجارت

۳. ماده ۴۲۶ قانون تجارت (این ماده در هر سه دوره مشمول دارد)

نکته ۵۶: اصل تساوی بستانکاران: این اصل در خصوص بستانکاران عادی رعایت می شود یعنی در طبقه‌ی طلبکارانی که در ردیف غرمای با وثیقه و حق تقدم نیستند.

نکته ۵۷: بر مبنای اصل منع اعمال حقوق کاهش دهنده‌ی دارایی، ماده ۴۲۳ قانون تجارت که ناظر به ورشکستگی عادی و به تقصیر است بیان نموده است.

نکته ۵۸: از آنجا که تاریخ توقف در صحت قراردادهای تاجر مؤثر است، تعیین تاریخ توقف نقش تعیین کننده‌ای در بطلان یا صحت قراردادها و در نتیجه اموال تاجر خواهد داشت.

نکته ۵۹: تاریخ توقف با اعتراض ذینفعان قابل تغییر است.

نکته ۶۰: در صورتی در حکم دادگاه، تاریخ توقف تعیین نشده باشد، تاریخ توقف همان تاریخ حکم خواهد بود.

نکته ۶۱: در صورتی که امور تصفیه در اداره‌ی تصفیه صورت گیرد تابع قانون اداره‌ی تصفیه امور ورشکستگی و در موارد سکوت، تابع قانون تجارت است ولی در محل‌هایی که اداره‌ی تصفیه تشکیل نشده و امور تصفیه توسط مدیر تصفیه و عضو ناظر صورت می‌گیرد تابع قانون تجارت است.

نکته ۶۲: بر مبنای اصل منع اعمال حقوقی کاهش دهنده‌ی دارایی، ماده ۵۵۷ ق.ت ناظر بر ورشکستگی به تقلب مقرر نموده است: کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد، نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است و طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل دریافت نموده به اشخاص ذی‌حق مسترد نماید.

نکته ۶۳: طبق ماده ۴۲۶ قانون تجارت: چنانچه معامله تاجر صوری یا مسبوق به تبانی باشد، باطل و کأن لم یکن می‌باشد.

نکته ۶۴: وضعیت معاملات دوره سوم: طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت معاملات تاجر در این دوره، باطل است.

نکته ۶۵: وفق رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۴: طلبکاران ورشکسته اعم از اینکه وثیقه داشته باشند یا نه حق مطالبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند.

نکته ۶۶: وفق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور: چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد به واسطه‌ی اینکه دارایی ورشکسته متعلق حق همه طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفا حقوق خود به اداره‌ی تصفیه مراجعه نماید و نمی‌توان دارایی ورشکسته را به استناد آن توقیف کرد. بنابراین تصمیم شعبه سی‌ام دادگاه جنحه تهران صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

نکته ۶۷: طلبکارانی که در دوره اول و دوم طلبکار شده‌اند داخل در صف غرما می‌شود اما طلبکاران دوره سوم (اشخاصی که پس از اعلان حکم ورشکستگی از تاجر طلبکار شوند) داخل در صف غرما نمی‌شوند. این طلبکاران باید منتظر بمانند تاجر بدهی طلبکاران دیگر را بپردازد اگر چیزی ماند بعداً طلب خود را وصول نمایند.

نکته ۶۸: عملیات تصفیه و تقسیم: این عملیات شامل پرداخت بدهی‌های تاجر و وجوه مطالبات و انجام تعهدات و تقسیم اموال باقیمانده است.

نکته ۶۹: عملیات تصفیه از طریق دو مجرا صورت می‌گیرد: ۱- مدیر تصفیه ۲- عضو ناظر (البته در شهرهایی که اداره تصفیه است این امور کلاً توسط اداره تصفیه انجام می‌شود).

نکته ۷۰: مدیر تصفیه شخصی است که از سوی دادگاه برای انجام امور تصفیه ورشکسته تعیین می‌شود.

نکته ۷۱: وفق نظامنامه راجع به مواد ۴۴۰ و ۴۴۱ و... اشخاصی که با تاجر ورشکسته قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا طلبکار ورشکسته هستند نباید به مدیریت تصفیه معین شوند اما قانون ممنوعیتی برای مدیران شرکت در نظر نگرفته است؛ بنابراین آنها می‌توانند به سمت مدیر تصفیه انتخاب شوند.

نکته ۷۲: پس از تعیین مدیر تصفیه اولین وظیفه وی تهیه صورتی از طلبکاران احتمالی تاجر ورشکسته است.

نکته ۷۳: تهیه صورت مزبور پس از پایان مهلت ۲۰ روزه اعتراض به تاریخ توقف می‌باشد (موضوع ماده ۵۳۸ ق.ت).

نکته ۷۴: صورت مزبور را مدیر تصفیه با مراجعه به صورت قروضی که تاجر متوقف مطابق ماده ۴۱۴ قانون تجارت می‌دهد و یا بر طبق دستور ماده ۴۴۹ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد تنظیم می‌کند.

نکته ۷۵: پس از آنکه صورت طلبکاران احتمالی موافق ماده فوق تنظیم گردید، مدیر تصفیه به وسیله‌ی اعلان در مجله‌ی رسمی و لااقل یک روزنامه کثیرالانتشار دیگر به **فاصله پنج روز**، به طلبکاران احتمالی اخطار می‌کند که در مدت‌های ذیل خود را معرفی کرده و اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

نکته ۷۶: مدت‌های مذکور از این قرار است:

الف. برای طلبکاران مقیم در مقر دادگاه یک **ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.

ب. برای طلبکاران مقیم در سایر نقاط ایران **دو ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.

ج. برای طلبکاران مقیم در خارجه **سه ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.

نکته ۷۷: تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد تعقیب می‌شود.

نکته ۷۸: وفق ماده ۴۶۷ اگر طلب مسلم و قبول شد، مدیر تصفیه در روی سند عبارت «جزو دیون منظور شد» را نوشته، امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند.

نکته ۷۹: هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع می‌باشد.

نکته ۸۰: وفق ماده ۴۶۴ ق.ت هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جز صورت حساب دارایی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به طلب‌هایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید. همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

نکته ۸۱: طلب تصدیق شده: طلبی است که اداره‌ی تصفیه آن طلب را قبول نموده است و طلبکاران دیگر به آن اعتراض نکرده‌اند.

نکته ۸۲: طلب موقت قبول شده: طلبی است که اداره‌ی تصفیه طلب را قبول نموده ولی یک یا چند نفر از طلبکاران بدان اعتراض کرده‌اند. معترض به هزینه خود اقامه‌ی دعوی می‌کند. اگر دعوی محکوم به رد شد هزینه از کیسه معترض رفته است ولی اگر حکم به نفع خواهان صادر شود از آن طلب اعتراض شده تا حد طلب معترض به ایشان به عنوان پاداش داده می‌شود و هزینه‌ی دعوی نیز به وی مسترد می‌شود.

نکته ۸۳: طلبکارانی که رهنه دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند.

نکته ۸۴: اعتراض به صورت مطالبات از سوی طلبکارانی که طلبشان جزء صورتی دارایی تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است و تاجر ورشکسته پذیرفته می‌شود.

نکته ۸۵: هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد، این قسمت جزو بستانکاری‌های عادی ثبت خواهد شد.

نکته ۸۶: در صورتی که مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده و بستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته شده و در سهم‌بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد.

نکته ۸۷: مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه‌ی عضو ناظر طلب طلبکاران دارای رهنه را داده و شیء مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجر منظور کند.

نکته ۸۸: وفق ماده ۴۴۳ ق.ت اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را از عضو ناظر خواهد نمود.

نکته ۸۹: مدیر تصفیه ظرف ۱۵ روز از تاریخ مأموریت خود خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی را به تشخیص خود تهیه و به عضو ناظر می‌دهد و عضو ناظر فوراً آن را به مدعی‌العموم تسلیم می‌کند.

نکته ۹۰: فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده و یا کسر قیمت حاصل کند و اشیایی که نگاهداشتن آنها مفید نیست و همچنین به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه‌ی عضو ناظر توسط مدیر تصفیه انجام می‌شود.

نکته ۹۱: مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد اموال شخص ثالث را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده‌ی عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

نکته ۹۲: نسبت به تمام دعاوی که هیأت طلبکاران در آن ذینفع هستند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی راجع به اموال غیرمنقول باشد.

نکته ۹۳: اگر موضوع صلح قابل تقویم نباشد یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم‌الاجرا نخواهد بود مگر اینکه دادگاه آن را تصدیق کند.

نکته ۹۴: وجوهی که توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود در حساب مخصوصی در صندوق دادگستری تسلیم می‌شود. وجوه مزبور مسترد نمی‌گردد مگر به حواله‌ی عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

نکته ۹۵: مدیر تصفیه در آخرین جلسه‌ی مجمع عمومی طلبکارها که برای تصفیه عمل ورشکستگی یا قرارداد ارفاقی منعقد می‌شود صورت مخارج و حق الزحمه‌ی خود و متصدیان امر تصفیه را که از طرف عضو ناظر معین می‌شود به اطلاع طلبکارها می‌رساند صورت مخارج و میزان حق الزحمه در دفتر محکمه تودیع می‌شود و تاجر ورشکسته و طلبکارها می‌توانند اعتراضاتی که نسبت به آن دارند کتباً به مدیر دفتر در ظرف یک هفته تقدیم دارند و محکمه در جلسه‌ی اداری پس از رسیدگی به اعتراضات وارده میزان قطعی آن را معین خواهد نمود.

نکته ۹۶: **عضو ناظر و وظایف وی:** دادگاه ضمن حکم خود یک عضو ناظر تعیین می‌کند. وفق ماده ۴۲۸ عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است.

نکته ۹۷: مهر موم: دادگاه در حکم خود امر به مهر و موم نیز می‌دهد و مهر و موم اموال تاجر، توسط عضو ناظر انجام می‌شود. توجه کنید که در صورتی که اداره تصفیه در محل باشد این امر نیز بر عهده‌ی اداره‌ی تصفیه است.

نکته ۹۸: وفق ماده ۴۳۴ ق.ت مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده‌ی عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد. در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

نکته ۹۹: تعیین روز و محل تشخیص مطالبات: پس از تهیه صورت طلبکاران توسط مدیر تصفیه، تعیین محل و روز و ساعت جلسه جهت تشخیص مطالبات، توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد. همچنین امر و دستور به ابراز دفاتر طلبکارها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.

نکته ۱۰۰: تصدیق طلب طلبکاران: پس از امضای مدیر تصفیه و همچنین مستثناء کردن اشیاء ذکر شده در ماده ۴۴۴ قانون تجارت از مهر و موم و رفع توقیف آنها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.

نکته ۱۰۱: رسیدگی به شکایت از عملیات مدیر تصفیه: عضو ناظر باید در ظرف سه روز به شکایت واصله رسیدگی نموده و تکلیف شکایت را معلوم کند. از تصمیم عضو ناظر ممکن است به محکمه شکایت نمود.

نکته ۱۰۲: عضو ناظر می‌تواند برحسب شکایت موجه تاجر ورشکسته طلبکاری‌های او و یا به نظر خود تغییر مدیر تصفیه را از محکمه بخواهد. در صورتی که عضو ناظر در ظرف ده روز به شکایات واصله رسیدگی نکند شاکی می‌تواند به محکمه مراجعه نماید.

نکته ۱۰۳: گزارش دادن: گزارش تمامی منازعات و تسلیم گزارش خلاصه وضعیت به دادستان و گزارش برای حل اختلاف در طلب متنازعیه و گزارش در راستای صدور رأی تصدیق قرارداد ارفاقی توسط عضو ناظر انجام می‌شود.

نکته ۱۰۴: تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله‌ی دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند.

نکته ۱۰۵: عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با موافقت اکثریت عددی و رقمی طلبکارانی که حق انعقاد قرارداد ارفاقی دارند، تعیین و آن را برای تصویب به محکمه ارائه می‌دهد.

نکته ۱۰۶: دعوت از طلبکاران برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی: عضو ناظر **ظرف ۸ روز** از تاریخ موعدی که طلبکاران به صحیح بودن طلب خود التزام می‌دهند (ماده ۴۶۷ ق.ت) توسط مدیر دفتر دادگاه، کلیه طلبکارانی را که طلب آن‌ها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده جهت مشاوره در انعقاد قرارداد دعوت می‌کند.

نکته ۱۰۷: تهیه صورت مجلس از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی طلبکاران راجع به قرارداد ارفاقی.

نکته ۱۰۸: **قرارداد ارفاقی:** پس از تعیین و مشخص شدن دارایی تاجر ورشکسته — اعم از مثبت و منفی — طلبکاران می‌توانند با ارفاق به تاجری که ورشکستگی وی معلول تقلب نیست قرارداد ارفاقی منعقد کنند تا اجازه‌ی ادامه کار و تجارت به تاجر داده شود.

نکته ۱۰۹: قرارداد ارفاقی اولین عقدی است که پس از توقف و صدور حکم ورشکستگی، تاجر آن را منعقد می‌کند.

نکته ۱۱۰: با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب تحت تعقیب است می توان قرارداد ارفاقی تنظیم نمود اما با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم شده است نمی توان قرارداد ارفاقی تنظیم نمود.

نکته ۱۱۱: وفق ماده ۴۷۶ قرارداد ارفاقی پس از اجرای مراسم مقرر در قانون امکان پذیر است. مجمع عمومی در محل و روز و ساعت تعیین شده توسط عضو ناظر حضور پیدا می کنند.

نکته ۱۱۲: اشخاص و اکثریت لازم جهت تشکیل و رسمیت جلسه تنظیم قرارداد ارفاقی:

۱. شخص تاجر ورشکسته شخصاً باید حضور داشته باشد مگر در صورت عذر موجه که می تواند وکیل اعزام کند.

۲. عضو ناظر که سمت ریاست جلسه را نیز دارد.

۳. حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران -یا وکیل آنها- با داشتن حداقل سه چهارم کل مطالبات تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول شده.

نکته ۱۱۳: ترتیب جلسه: مدیر تصفیه گزارش وضعیت ورشکستگی و اقدامات و عملیات صورت گرفته را در جلسه مطرح می کند و به امضای وی و عضو ناظر می رسد و از کلیه مذاکرات عضو ناظر صورت مجلسی تنظیم می کند.

نکته ۱۱۴: اجرای قرارداد ارفاقی: قرارداد ارفاقی برای اینکه لازم الاجرا و معتبر شود باید به تصدیق محکمه برسد.

نکته ۱۱۵: تصدیق محکمه پس از پایان مدت اعتراض به قرارداد ارفاقی انجام می شود (یعنی ظرف یک هفته پس از تنظیم قرارداد ارفاقی).

نکته ۱۱۶: اعتراض به قرارداد ارفاقی: کلیه طلبکارانی که حق شرکت در قرارداد ارفاقی را دارند می توانند ظرف یک هفته از تاریخ انعقاد قرارداد ارفاقی به آن اعتراض کنند. اعتراض به قرارداد ارفاقی به مدیر تصفیه و خود تاجر (هر دو) ابلاغ می شود.

نکته ۱۱۷: اگر اعتراض وارد باشد دادگاه اعتراض را تصدیق نموده و قرارداد ارفاقی کلاً بلااثر می شود ولی اگر اعتراض را وارد نداند، قرارداد ارفاقی را تصدیق می کند و از این زمان قرارداد مذکور معتبر می شود.

نکته ۱۱۸: اثر تصدیق قرارداد ارفاقی: با تصدیق این قرارداد، نسبت به طلبکارانی که قرارداد را تصدیق نموده اند قطعی می شود. به علاوه با تصدیق قرارداد ارفاقی تاجر از حجر خارج می شود و دفاتر و حساب های تاجر به وی مسترد شده و تاجر فعالیت تجاری خود را از سر می گیرد.

نکته ۱۱۹: تصدیق قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران معترض و مخالف قرارداد ارفاقی بی اثر است و تاجر باید سهم این گونه طلبکاران را از دارایی زمان توقف پرداخت کند و اینگونه طلبکاران حقی نسبت به دارایی آتیه تاجر ندارند مگر پس از تأدیه تمام طلب طلبکاران موافق و حاضر در قرارداد ارفاقی.

نکته ۱۲۰: اگر طلبکاران مخالف و معترض، ظرف ۱۰ روز از تصدیق قرارداد ارفاقی در دادگاه، آن را امضاء کنند مانند طلبکاران گروه اول می شوند.

نکته ۱۲۱: طرق منتفی شدن قرارداد ارفاقی: ۱- بطلان ۲- فسخ ۳- ورشکستگی مجدد

نکته ۱۲۲: فسخ قرارداد ارفاقی: چنانچه تاجر به شرایط قرارداد ارفاقی عمل نکند، برای فسخ قرارداد می توان علیه وی اقامه دعوی کرد.

نکته ۱۲۳: ابطال قرارداد ارفاقی:

۱. تاجر ورشکسته به تقلب اعلام شود.

۲. بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی معلوم گردد تاجر در میزان دارایی یا قروض خود حيله و تقلب به کار برده و میزان واقعی را بیان ننموده است.

نکته ۱۲۴: ورشکستگی مجدد (موضوع مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ ق.ت): در این فرض مجدداً عملیات تصفیه آغاز می شود و طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی و طلبکاران جدید، در صف غرما قرار می گیرند و اگر در مدت قرارداد ارفاقی، تاجر مقداری از دیون خود را پرداخته باشد بدیهی است که این مقدار، از دیون طلبکاران کسر می شود.

نکته ۱۲۵: پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دادگاه عضو ناظر و مدیر تصفیه جدید تعیین می‌کند اما محتمل است آنها همان اعضای سابق باشند.

نکته ۱۲۶: پس از ابطال قرارداد ارفاقی دادگاه مدیر تصفیه و عضو ناظری تعیین می‌کند؛ **مدیر تصفیه** باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت کند که در **ظرف یک ماه** اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند.

نکته ۱۲۷: **اعاده‌ی اعتبار:** بازگشت اعتبار و شهرت تاجر.

نکته ۱۲۸: **اعاده‌ی اعتبار حقی یا حقیقی:** هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید.

نکته ۱۲۹: **اعاده‌ی اعتبار حکمی یا قانونی:** در دو حالت اعاده اعتبار حکمی وجود دارد:

الف. تاجر صحت عمل خود را در **ظرف ۵ سال** از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی اثبات نماید و مفاد و شرایط قرارداد ارفاقی را عمل نموده و وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته پرداخت نماید.

ب. زمانی کلیه طلبکاران به اعاده اعتبار تاجر رضایت دهند یا کلیه طلبکاران ذمه تاجر را بری نمایند.

نکته ۱۳۰: اگر اعاده‌ی اعتبار رد شود **پس از ۶ ماه** از تاریخ **قطعیت** مجدداً قابل طرح است؛ به عبارت دیگر صدور حکم مبنی بر رد اعاده‌ی اعتبار مثل رد ادعای اعسار اعتبار امر مختومه ندارد.

نکته ۱۳۱: **عدم قابلیت درخواست اعاده اعتبار:** تاجری که ورشکسته به تقلب بوده + تاجری که به مجازات سرقت، کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده باشد مادام که از جنبه‌ی جزایی اعاده‌ی حیثیت نکرده‌اند از جنبه‌ی تجارتی نمی‌توانند تقاضای اعاده‌ی اعتبار کنند.

نکته ۱۳۲: **اعتراض به دادخواست اعاده‌ی اعتبار:** هر طلبکاری که طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می‌تواند در **مدت یک ماه** به وسیله‌ی اظهارنامه به دادخواست اعاده‌ی اعتبار اعتراض کند به ضمیمه‌ی اسناد مثبت طلب.

نکته ۱۳۳: **تجدیدنظرخواهی از حکم اعاده اعتبار:** مدعی عدم اعاده‌ی اعتبار و مدعی العموم و طلبکارهای معترض می‌توانند **ظرف ۲۰ روز** از اعلام حکم اعاده‌ی اعتبار تجدیدنظرخواهی کنند.

نکته ۱۳۴: **اداره تصفیه امور ورشکستگی:** سازمانی دولتی است که تحت نظارت قوه قضاییه قرار دارد و دارای کارمندان تصفیه و ابزارهایی است که امر تصفیه را تنظیم و تسهیل می‌کنند.

نکته ۱۳۵: در نقاطی که اداره‌ی تصفیه امور ورشکستگی دایر شده است، امر تصفیه به وسیله‌ی این اداره و طبق مقررات قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی و آیین‌نامه آن، انجام می‌پذیرد.

نکته ۱۳۶: **تصفیه شرکت‌ها توسط اداره‌ی تصفیه:** در هر حوزه که تشکیل اداره تصفیه اعلام شود امور ورشکستگی که تا آن تاریخ خاتمه نیافته تحویل اداره‌ی تصفیه گردیده و مدیران تصفیه و کارمندان ناظر باید از هرگونه اقدام خودداری نمایند.

نکته ۱۳۷: عملیات ورشکستگی شرکت‌هایی که تصفیه آنها در موقع اعلام تشکیل اداره تصفیه خاتمه نیافته است، طبق مقررات قانون اداره تصفیه و آیین‌نامه خواهد یافت.

نکته ۱۳۸: **رسیدگی به پرونده‌های دریافت شده از دادگاه صادرکننده حکم:** پس از اینکه رئیس اداره‌ی تصفیه پرونده را دریافت کرد پرونده را به یکی از کارمندان اداره‌ی تصفیه ارجاع می‌دهد تا وی امر تصفیه را همان‌طور که یک مدیر تصفیه انجام می‌دهد، طبق مقررات و آیین‌نامه اداره‌ی تصفیه و نیز طبق قوانین تجارت انجام دهد.

نکته ۱۳۹: کارمند اداره تصفیه، مشمول مقررات رد دادرسی است. موارد رد همان موارد ذکر شده در آیین دادرسی مدنی می‌باشد.

نکته ۱۴۰: **اقدامات اولیه:** شامل صورت‌برداری و مهر و در مهر و موم نمودن اموال مستثنیات دین، مهر و موم نمی‌شوند اما در صورت دارایی درج می‌شوند.

نکته ۱۴۱: اداره‌ی تصفیه اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها، مغازه‌ها، کالاهای و کارخانه‌ها می‌نماید مگر اینکه بتواند تحت نظارت خود آنها را اداره نماید.

نکته ۱۴۲: اداره‌ی تصفیه اقدام به مهر و موم اموال تاجر می‌کند مگر اینکه بتواند آنها را تحت نظارت خود اداره کند.

- نکته ۱۴۳:** اداره به طرق ممکن اقدام به حفاظت اموال می کند و آنها را مهر و موم کرده تا وقتی که لازم بداند مهر و موم باقی می ماند.
- نکته ۱۴۴:** مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته قرار می گیرد ولی جزء صورت اموال قید می گردد.
- نکته ۱۴۵:** **توقیف تاجر:** تاجر متوقف طبق ماده ۲۱ ق.ا.ت مکلف است خود را در اختیار اداره تصفیه قرار دهد. در صورت اقتضاء اداره تصفیه می تواند اقدام به جلب او بنماید.
- نکته ۱۴۶:** تاجر متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر این صریحاً از این تکلف معاف شده باشد.
- نکته ۱۴۷:** در صورت اقتضاء اداره تصفیه می تواند **رأساً** اقدام به جلب نماید. چنانچه **توقیف** تاجر متوقف لازم باشد اداره تصفیه می تواند قرار توقیف او را از **دادگاه** بخواهد.
- نکته ۱۴۸:** رفع توقیف از تاجر به **دستور اداری تصفیه** به عمل می آید.
- نکته ۱۴۹:** همچنین در صورتی که تاجر فرار کرده یا قسمتی از اموال خود را مخفی کند **امین صلح** می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم اموال تاجر کند و بلافاصله اقدامات خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.
- نکته ۱۵۰:** **تفتیش مراسلات:** به موجب ماده ۱۰ ق.ا.ت: اداره تصفیه می تواند از اداره پست و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگ ها و بسته هایی که به عنوان متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد.
- نکته ۱۵۱:** اداره تصفیه می تواند رأساً تصمیم گرفته و از تعطیل شدن تجارتخانه ورشکسته جلوگیری کرده و به او اجازه ای ادامه ی کار دهد.
- نکته ۱۵۲:** تصفیه بر دو نوع می باشد: عادی و اختصاری.
- نکته ۱۵۳:** تصفیه اختصاری: بر طبق ماده ۲۳ قانون تصفیه اگر به نظر اداره تصفیه حاصل فروش اموالی که صورت آنها را برداشته کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره مزبور اقدام به تصفیه اختصاری می نماید مگر اینکه برخی از طلبکاران، ظرف مدت ۱۰ روز درخواست تصفیه عادی را نموده و هزینه آن را هم بپردازند.
- نکته ۱۵۴:** در تصفیه اختصاری، متصدی پرونده به انتشار آگهی مبادرت می نماید و در آن اعلام می دارد که هر کس ادعایی علیه ورشکسته دارد ظرف چهل روز به اداره تصفیه اعلام نماید.
- نکته ۱۵۵:** سپس به هر ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء کند - بدون رعایت تشریفات - اقدام به فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله می نماید و ختم عمل تصفیه را اعلام می دارد.
- نکته ۱۵۶:** در مورد تصفیه اختصاری بستانکاران برای تشکیل جلسه دعوت نمی شوند مع ذلک هرگاه اداره مقتضی بداند ممکن است به وسیله تشکیل جلسه جلب نظر آنها را بنماید ولی در صورتی که ورشکسته پیشنهاد قرارداد ارفاقی نموده باشد در این مورد باید جلسه بستانکاران دعوت شود.
- نکته ۱۵۷:** در صورت نبودن خریدار به بهای ارزیابی شده اقدام به مزایده مجدد به عمل نیامده و اداره تصفیه به نحو مقتضی اقدام به فروش آن خواهد نمود.
- نکته ۱۵۸:** تقسیم وجوه حاصله طبق مدلول مواد ۴۶ و ۴۷ قانون به عمل آمده و سند عدم کفایت دارایی صادر می شود ولی صورت تقسیم برای مراجعه اشخاص ذینفع در اداره تصفیه گذارده نشده و تقسیم موقت سهام نیز به عمل نخواهد آمد
- نکته ۱۵۹:** **تصفیه عادی:** در صورتی که دارایی شخص ورشکسته کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی باشد و یا یکی از طلبکاران هزینه آن را بپردازد، تصفیه طبق تشریفات اداره تصفیه و قانون تجارت انجام می پذیرد.
- نکته ۱۶۰:** **آگهی:** به طلبکاران می شود تا برای تشخیص و تصدیق طلب مراجعه کنند.
- نکته ۱۶۱:** رونوشت آگهی به واحدهای اجرایی حوزه ورشکسته و دادسراها و دادگاه هایی که دعاوی تاجر در آن مطرح است و همچنین شرکت های بیمه ای که تاجر احتمالاً در آن اقدام به بیمه نموده است ارسال می شود.
- نکته ۱۶۲:** وفق ماده ۳۸ قانون اداره تصفیه پس از رسیدگی به مطالبات، بستانکارانی که طلبشان تصدیق یا موقتاً قبول شده به وسیله ای اخطاریه دعوت می شوند و اگر درخواست قرارداد ارفاقی شده باشد در دعوت نامه قید می شود. اگر قرارداد ارفاقی تنظیم نشود اداره اقدام به تقسیم و فروش اموال می کند.
- نکته ۱۶۳:** وفق ماده ۸۸ قانون مالیات های مستقیم، تقسیم دارایی اشخاص حقوقی منحل شده قبل از تحصیل مفاصاحساب مالیاتی یا بدون سپردن تأمین معادل میزان مالیات مجاز نیست.

نکته ۱۶۴: آخرین مدیران شخص حقوقی در صورت عدم تسلیم اظهارنامه یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع و مدیران تصفیه در صورت عدم رعایت مقررات و ضامن یا ضامن‌های شخص حقوقی و شرکا ضامن موضوع قانون تجارت متضامناً و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است مسؤول پرداخت مالیات و جرائم و زیان دیرکرد متعلقه به شخص حقوقی خواهند بود.

نکته ۱۶۵: فروش اموال: اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می‌شود مگر هیأت طلبکاران با اکثریت عددی که دارنده‌ی سه‌چهارم مطالبات هستند رضایت دهند یا وقتی که مال در بورس یا در بازار قیمت معین دارد.

نکته ۱۶۶: اموال دارای وثیقه را نیز نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستانکارانی که نسبت به آن حق وثیقه دارند جلب شود.

نکته ۱۶۷: اموال فاسد شدنی و اموالی که در معرض تنزل قیمت هستند و اموالی که دارای قیمت مشخص بازاری هستند به طریق مزایده فروش نمی‌روند. ضمناً اموال را باید به طریق نقدی فروخت مگر آنکه ظرف سه ماه ثمن را بپردازد.

نکته ۱۶۸: چنانچه کارکنان اداره‌ی تصفیه یا کسان‌شان تا درجه‌ی دوم از طبقه‌ی دوم نسبت به دارایی ور شکسته به نفع خود طرف معامله واقع شوند معامله‌ی آنها باطل و متخلف تعقیب انتظامی می‌شود.

نکته ۱۶۹: در این صورت مجلس باید نام اشخاصی که مباشر مزایده بوده و همچنین تاریخ و محل و مدت مزایده و بالاترین بهای هر شیئی در آن قید شود و صورت مجلس را رئیس یا کارمند اداره تصفیه امضاء می‌نمایند.

نکته ۱۷۰: کسانی که در مزایده‌ی مال غیرمنقول شرکت می‌کنند باید صدی پنج بهای مال غیرمنقول ارزیابی شده را تا روزی که برای مزایده مقرر شده به صندوق اداره‌ی تصفیه بپردازند.

نکته ۱۷۱: هرگاه پرداخت بها در موعد مقرر انجام نگیرد یا آنکه پیشنهاددهنده حاضر به اجرای تعهد خود نگردد خسارت وارده از مبلغ سپرده برداشت خواهد شد.

نکته ۱۷۲: بعد از مزایده‌ی مال مورد مزایده به موجب سند رسمی به برنده مزایده یا بستانکار منتقل می‌شود. این سند را سند انتقال اجرایی می‌نامند و دارای تمام اوصاف سند رسمی مالکیت است و در نهایت نیز در دفتر اسناد رسمی انتقال انجام و ثبت می‌شود.

نکته ۱۷۳: اداره تصفیه باید برای تقسیم موقت سهام بر طبق ماده ۴۸ قانون اداره‌ی تصفیه صورت تقسیم موقت تهیه نموده و اعلام نماید که صورت تقسیم در ظرف مدت ده روز در دسترس بستانکاران گذارده خواهد شد.

نکته ۱۷۴: هرگاه دعوای مربوط به بستانکاری در موقع تقسیم موقت سهام به نتیجه نرسیده باشد سهمی که برای او منظور شده کنار گذارده می‌شود و همچنین بستانکارانی که طلب آن‌ها مؤجل است قبل از رسیدن موعد به آنها پرداخته نخواهد شد مگر آنکه برای برگشت فرع قانونی از طلب خود رضایت دهند

نکته ۱۷۵: صورت تقسیم نهایی وقتی تنظیم می‌شود که کلیه دعوای مربوط به دارایی و بدهی ور شکسته قطعی شده باشد و برای تنظیم صورت قطعی لازم نیست منتظر مازاد مذکور در ماده ۴۵ قانون اداره تصفیه گردید.

نکته ۱۷۶: امور ور شکستگی باید از تاریخ و صول حکم آن به اداره ظرف ۸ ماه تصفیه شود. البته رئیس دادگاه استان می‌تواند این مدت را تمدید نماید.

نکته ۱۷۷: پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد.

یه توصیهٔ مخلصانه: از بهترین راه‌های دستیابی به اهداف این است که انرژی‌مان را در بخشش به دیگران متمرکز کنیم. اگر می‌خواهیم اعتماد به نفس خودمان بیشتر شود، سعی کنیم اعتماد به نفس اطرافیان‌مان را بالا ببریم. اگر حس امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌خواهیم باید در شخص دیگری این‌ها را القا کنیم و اگر موفقیت را برای خودمان می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم. این «اثر دیگران» است بر زندگی ما! اثر موجی کمک به دیگران و بخشیدن سخاوتمندانهٔ وقت و انرژی‌مان به آنها این است که خودمان بزرگ‌ترین ذینفع این «نوع دوستی» خواهیم بود. وقتی هم آموختیم یکی از تأثیرگذارترین بخش‌ها بر زندگی هر کس اطرافیانش می‌باشد، لذا با بهبود وضع اطرافیان در واقع زندگی خودمان را به سمت خوبی تغییر داده‌ایم. اثر دیگران یعنی اینکه اگر دوستم جزوهٔ حقوق مدنی را خوانده است و از آن متأثر شده، آن را به من هدیه کند، من به دیگری هدیه کنم یا با نوشتن مطلبی دربارهٔ این جزوه، دیگران را تشویق به خواندن آن کنم تا هم خودم لذت ببرم، هم جامعه و اطرافیانم هم موجی از لذت و تغییر مثبت را احساس کنند. من متوجه شده‌ام بهترین راه برای به دست آوردن چیزهایی که در زندگی‌ام می‌خواهم این است که انرژی‌ام را روی بخشش به دیگران متمرکز کنم. اگر این جزوه به تو کمک کرده اوون رو برای پنج نفر بفرست؛ چون بدون تو حتی ممکن نبود آن را پیدا کند.